

مؤلف و تصویرگر: ویلیم دی وینک

عیسی

مسیح



مردی که دنیا را تغییر می دهد

.... چه است

پادشاهی خدا: پادشاهی خدا در جایی برقرار است که مردم از او اطاعت میکنند.

روح القدس: روح خدا که به وسیله آن می‌خواهد در افرادی که از عیسی پیروی می‌کنند، زندگی کند (صفحه ۵۸).

عیسی: نام پسر خدا و به معنای "خداوند نجات می‌دهد".

مسیحا: "پادشاه مسح شده". مسیحا یک کلمه عبری بوده که در زبان یونانی به مسیح ترجمه شده است (صفحه ۵۲، ۵۵).

دعا: وقتی شما با خدا آرام یا با صدای بلند صحبت می‌کنید و به او گوش می‌دهید (صفحات ۱۸، ۱۹، ۴۲).

رستاخیز: عیسی از مردگان برخاست. روزی همه مردگان از مرگ برمی‌خیزند. سپس خداوند هر انسانی را قضاوت می‌کند (صفحات ۵۳-۵۷).

بازگشت: همه چیز با بازگشت عیسی به زمین جدید خواهد شد. آسمان و زمین توسط خداوند تجدید خواهد شد (صفحه ۵۷).

شیطان: دشمن نامرئی خدا و انسانها (که به او ابلیس نیز می‌گویند).

گناه: کارهایی را که بر خلاف اراده خداست انجام بدهیم و ما را از رسیدن به هدفی که خدا برای ما در نظر گرفته است باز بدارد، گناه نامیده می‌شود (صفحه ۴).

پسر خدا: نام عیسی. او خدایی بود که منحیث یک انسان و منحیث پسر خدا به زمین آمد.

فرشته: رسول نامرئی خدا (صفحه ۵).

برکت: همه چیزهای خوبی که خدا می‌خواهد به افرادی بدهد که به خواسته های او عمل می‌کنند.

کتاب مقدس: در کتاب مقدس شما می‌توانید در مورد اینکه خدا چگونه به مردم نگاه می‌کند و چگونه با آنها رفتار می‌کند، بخوانید.

شام خداوند: پیروان عیسی یاد مرگ و دوباره زنده شدن او را با برگزاری شام خداوند زنده نگه‌میدارند (صفحه ۴۱).

صلیب: ابزار شکنجه ای که عیسی به میل و رضایت خود در بالای آن مُرد. امروز این به علامتی برای همه پیروان عیسی تبدیل شده است (صفحات ۲۵، ۵۰).

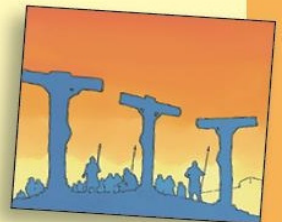
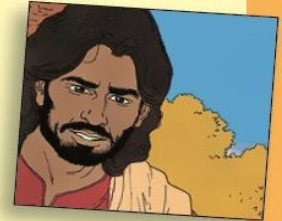
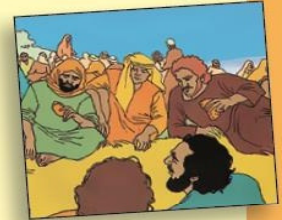
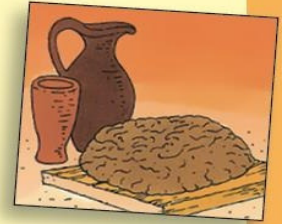
شاگرد: پیرو عیسی (صفحه ۱۸).

عید پاک (ایستر): جشنی که در آن رستاخیز عیسی تجلیل می‌شود. یهودیان در همان روزها عید فصح را جشن می‌گیرند (صفحه ۲۸-۵۴).

زندگی ابدی: زندگی با عیسی همانگونه که خداوند در نظر داشت. این زندگی بر مرگ غلبه می‌کند و هیچ پایانی ندارد (صفحات ۲۳، ۳۰-۲۹ و ۵۹).

ایمان: یعنی شما به خداوند اعتماد می‌کنید که چیزی را که او وعده داده است، انجام می‌دهد (صفحه ۵۸).

عفو و بخشش: خداوند انسان را می‌بخشد، گرچه هیچکس مستحق آن نیست. اگر واقعاً از گناه پشیمان هستید و می‌خواهید تغییر کنید، خداوند شما را می‌بخشد. بخشش امر ممکن است، زیرا عیسی مجازاتی را که ما مستحق آن بودیم، بر خود متقبل شد (صفحه ۵۸).



عیسی مسیح کیست؟

عیسی حدود ۲۰۰۰ سال پیش در اسرائیل زندگی می‌کرد. ما او را «مسیحا» یا «عیسی مسیح» می‌نامیم. یعنی او پادشاه است. با این حال، او فقط یک پادشاه نیست. عیسی "پسر خدا" و همچنین "پسر انسان" نیز نامیده می‌شود. این بدان معناست که او هم به خدا و هم به انسان تعلق دارد. تاریخ زندگی عیسی در کتاب مقدس شرح داده شده است. این بزرگترین داستان تمام دوران است.

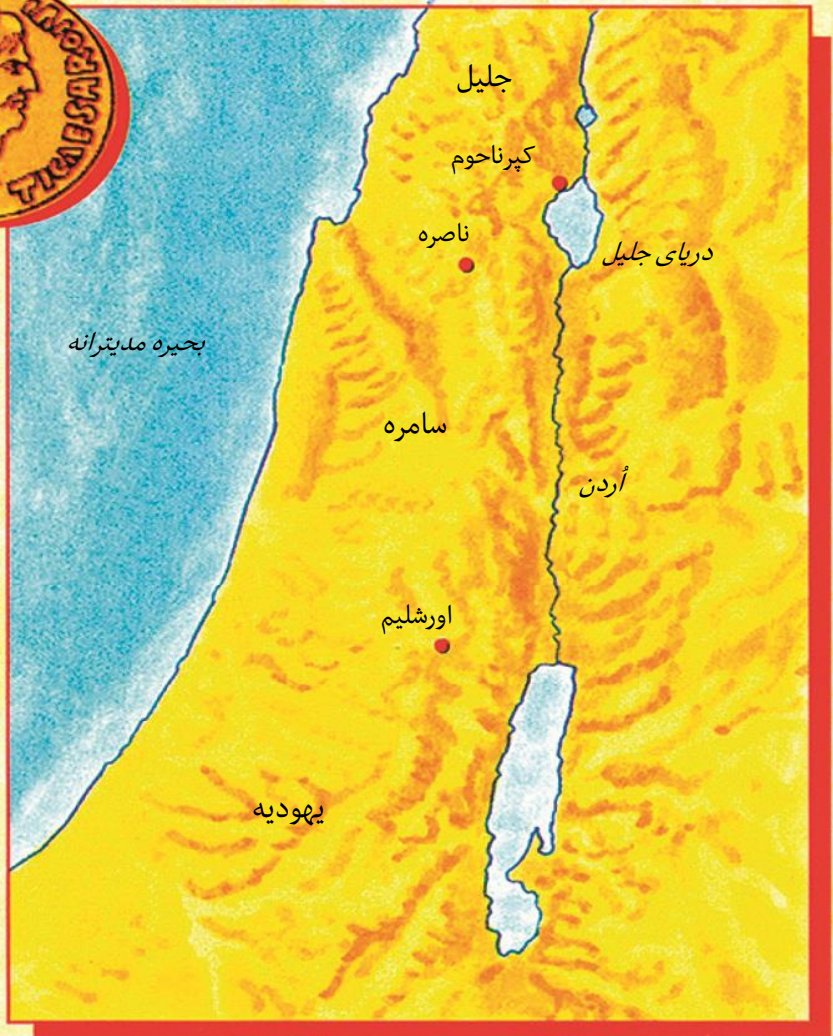


زمان عیسی

تاریخ دوران ما با تولد عیسی شروع می‌شود. در آن زمان مردم پیاده یا بالای الاغ، شتر و یا سوار بر اسب سفر می‌کردند. بخش عمده ای از اروپا، شرقمیان و شمال آفریقا توسط امپراتوری روم اشغال شده بود. اکثر مردم توان خواندن و نوشتن را نداشتند، ولی یهودیان در اسرائیل هم خواندن و هم نوشتن بلد بودند. آنها را «اهل کتاب» می‌نامیدند.

خدا در کتاب مقدس و صحایف صحبت می‌کند. او خالق همه موجودات است و می‌خواهد با همه مردم دوست باشد. عیسی این را به وضوح نشان داد!





اسرائیل در زمان عیسی

پایتخت: اورشلیم.

ولایات: جلیل، سامره، یهودیه.

مساحت: تقریباً ۲۸۰۰۰ کیلومتر مربع (۱۰۸۱۰ مایل مربع).

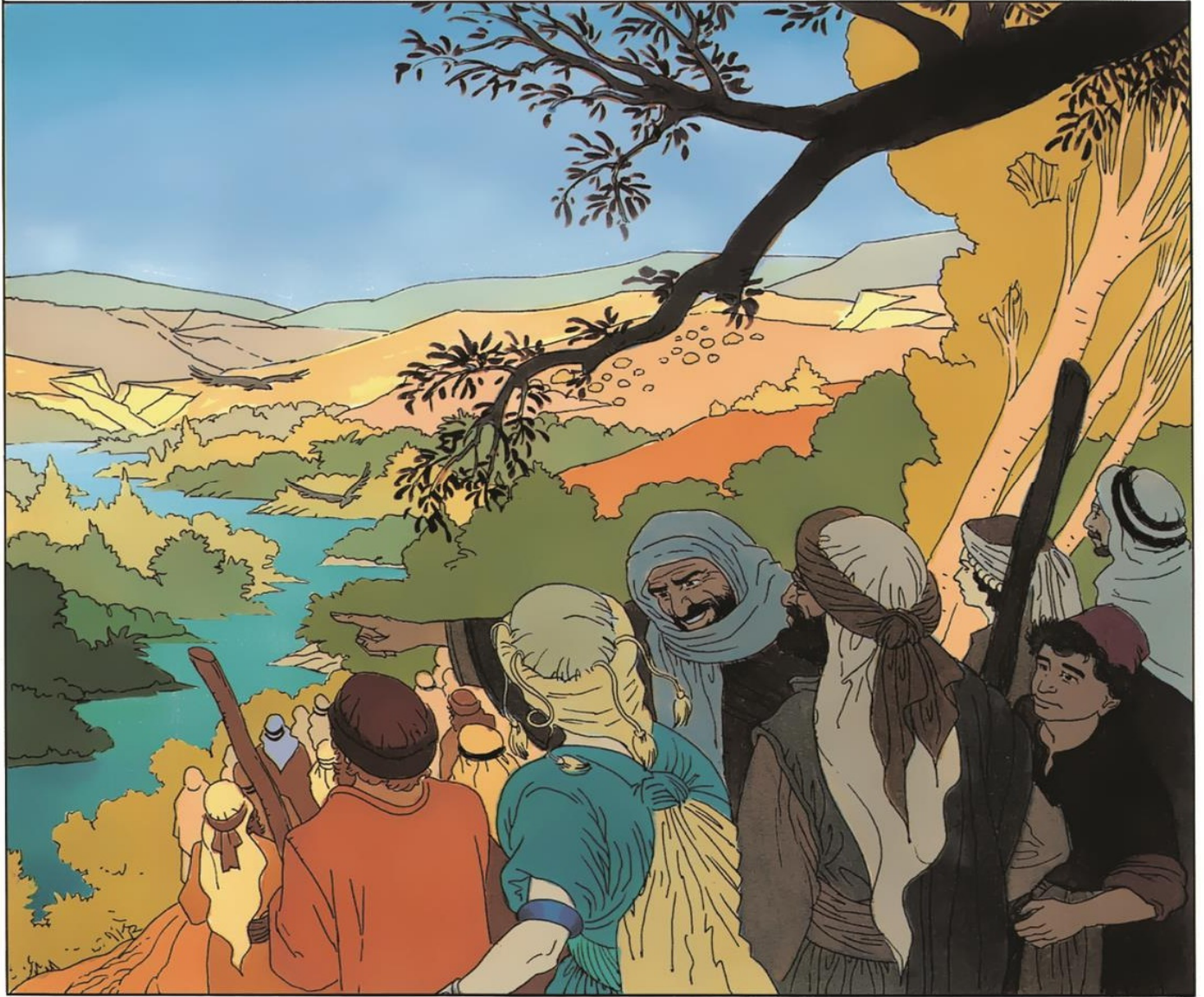
آب و هوا: نیمه استوایی.

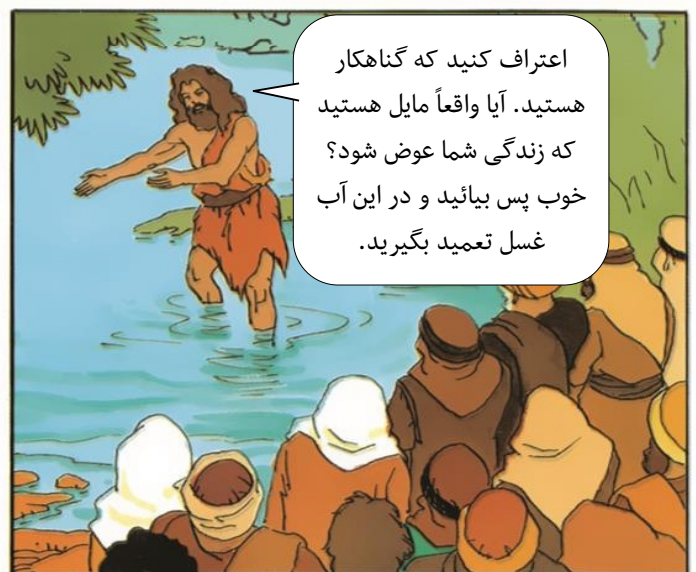
سیاست: از سال ۶۳ ق م (قبل از میلاد) اسرائیل تحت قیادت رومیان بود.

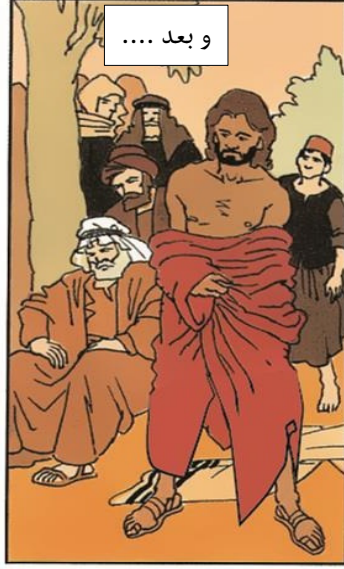
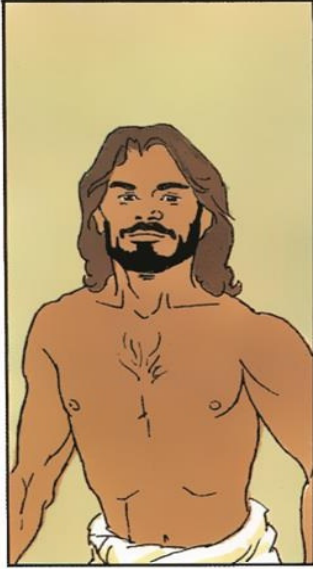
حکومت: پُنطیوس پیلاتوس، والی یهودیه، بالای اسرائیل حکومت می کرد. او تحت فرمان تیرریاس، امپراتور روم بود.

دین: یهودیت. یهودیان معبدی در اورشلیم دارند. کاهنان وجود دارند که انواع کارها را برای دین انجام می دهند و آموزگاران (مانند فریسیان) هستند که باید مردم را از طریق کتاب مقدس راهنمایی کنند.

زبان ها: عبری (زبان یهودیان)، یونانی (زبان بین المللی) لاتین (زبان رومی ها).





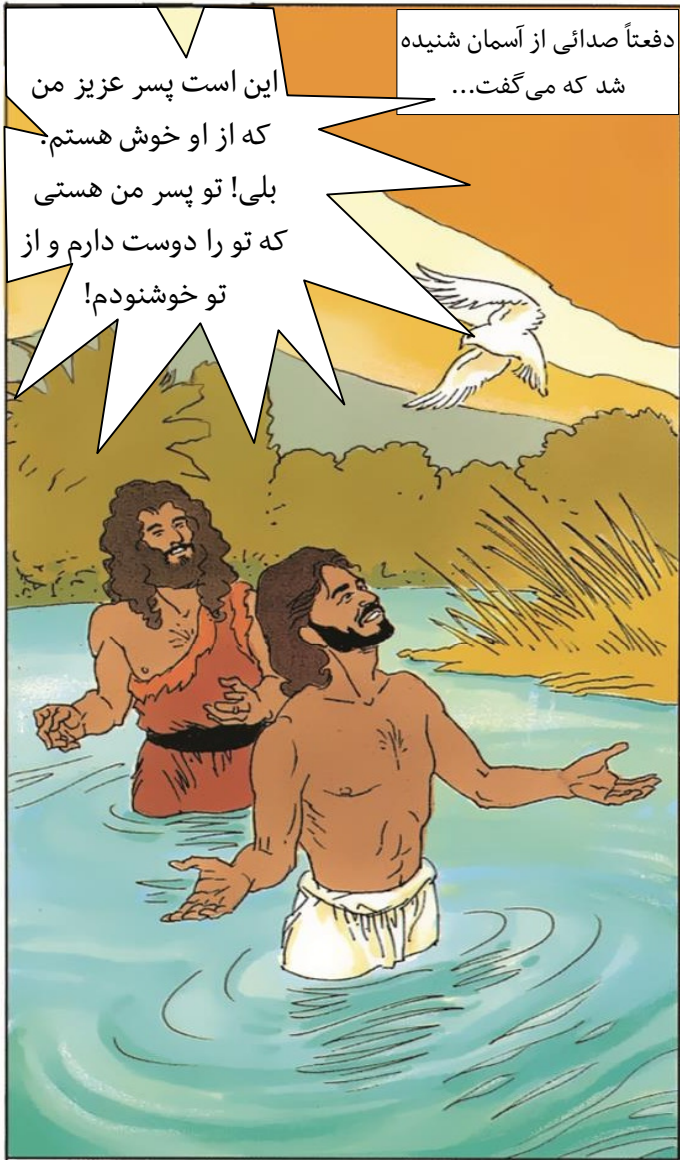


و بعد



همه این واعظ کنار دریا را بنام یحیی تعمید دهنده می شناسند.

من زیاد مهم نیستم. وظیفه من این است که راه را برای دیگری آماده کنم. کسی که راه خدا را به ما نشان می دهد. او شما را با روح مقدس و آتش تعمید خواهد داد و بدین صورت شما را کاملاً تبدیل خواهد کرد.



دفعتاً صدائی از آسمان شنیده شد که می گفت...!

این است پسر عزیز من که از او خوش هستم. بلی! تو پسر من هستی که تو را دوست دارم و از تو خوشنودم!



این من هستم که باید از تو تعمید بگیرم!



حالا این کار را بکن تا آنچه که اراده خداست انجام گیرد.



پدر، بگذار که پادشاهی تو بیاید و اراده تو اجرا شود!

وقتی که یحیی تعمید دهنده قوم اسرائیل را برای آمدن مسیح آماده می کرد، رومی ها بر بزرگترین بخش جهان حکومت می کردند. اسرائیل تنها بخش کوچکی از امپراتوری بزرگ روم بود.



مردم یهود مایوس و غمگین هستند و در انتظار آمدن مسیح موعود که قرار است بیاید، بسر می برند. او نجات دهنده است که کتاب های قدیمی یهودیان آمدنش را پیشگویی نموده و گفته بودند که او پیروزی و عظمت خدا را به ارمغان خواهد آورد.



عیسی بعد از تعمید توسط روح خدا به بیابان برده می شود.



در ساحل دریای اردن یحیی تعمید دهنده به سوی عیسی اشاره می کند.

ببینید! این است آن بره خدا که گناه جهان را بر می دارد!

برای پیروزی بر شیطان لازم است که عیسی نقشه خدا را به انجام برساند. نقشه خدا این است که انسان ها را از چنگال مرگ آزاد کند.



در آنجا مدت ۴۰ شبانه روز روزه می گیرد و در این مدت از اراده خدا برای کار خود آگاه می شود.



بلی پدر! اراده تو را انجام می دهم!



در آنجا عیسی با شیطان، که فرمانروای نامرئی تاریکی است، مقابل می شود. این دشمن خدا و بشریت با نفرت، بیماری و مرگ بر جهان حکومت می کند...

ولی شیطان افکاری را در ذهن عیسی قرار می‌دهد
تا او را از اجرای اراده خدا منحرف کند.

کتاب مقدس می‌فرماید که
زندگی انسان فقط وابسته به
نان نیست بلکه به هر کلمه ای
است که خدا می‌فرماید.

اگر تو پسر خدا هستی
بگو تا این سنگها به نان
تبدیل شوند!



سپس شیطان عیسی را ترک
می‌کند و فرشتگان می‌آیند و
عیسی را خدمت می‌کنند.



اگر پیش من سجده کنی و مرا بپرستی
همه قدرت جهان را به تو خواهم داد!



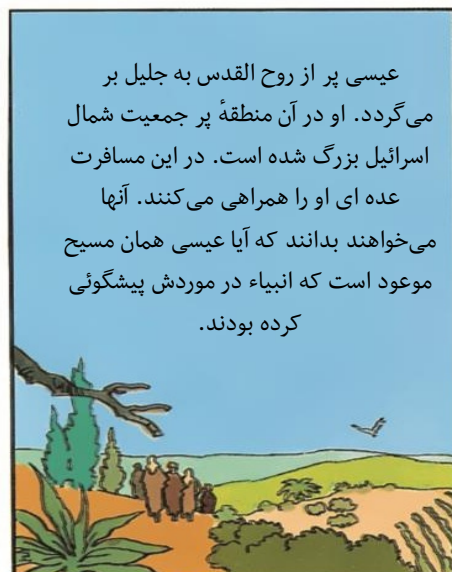
دور شو ای شیطان! کتاب
مقدس می‌فرماید که باید
خداوند خدای خود را بپرستی و
تنها او را عبادت نمایی.

اگر تو پسر خدا هستی خود را از بام
خانه خدا پائین بینداز زیرا کتاب مقدس
می‌فرماید که فرشتگان خدا ترا در دست
های خود نگاه خواهند داشت تا مبادا
پایت به سنگی بخورد.



نوشته شده است که
نباید خداوند خدای
خود را امتحان کرد!

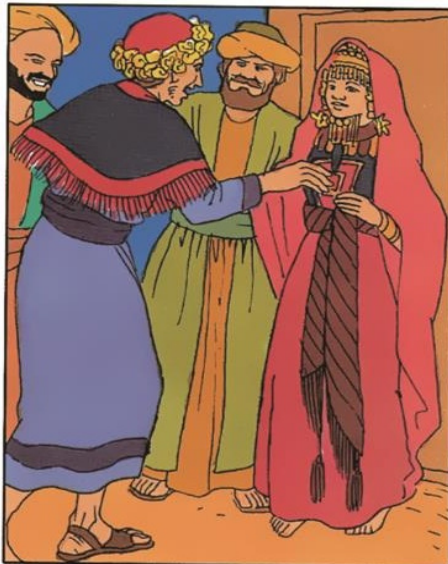
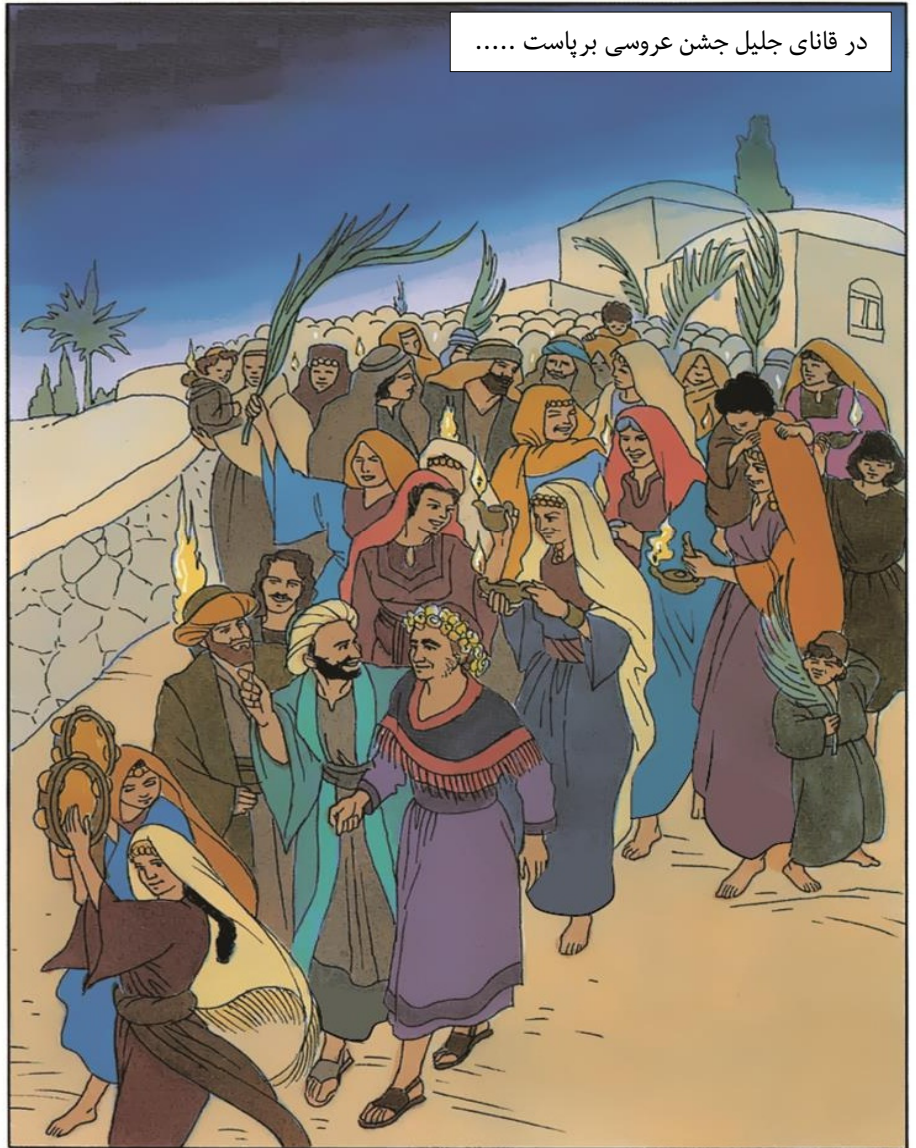
عیسی پر از روح القدس به جلیل بر
می‌گردد. او در آن منطقه پر جمعیت شمال
اسرائیل بزرگ شده است. در این مسافرت
عده ای او را همراهی می‌کنند. آنها
می‌خواهند بدانند که آیا عیسی همان مسیح
موعود است که انبیاء در موردش پیشگوئی
کرده بودند.

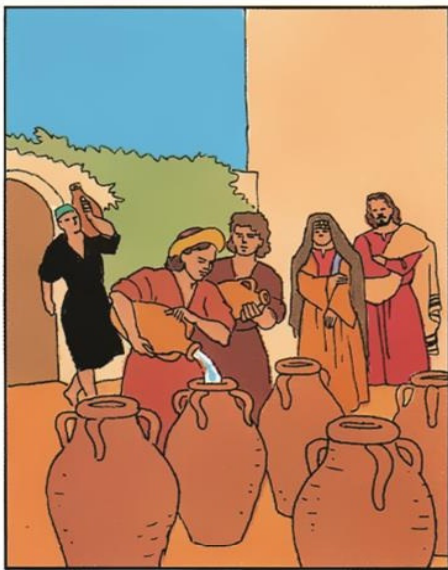


... عیسی هم در آنجا با مادر و بعضی از دوستانش حضور دارد.



در قانای جلیل جشن عروسی برپاست





این خُم ها را از آب پر کنید و مقداری از آن را پیش مسؤؤل جشن ببرید تا بچشد.



اما در وسط جشن...

هرچه به شما می گوید، آنرا انجام دهید!

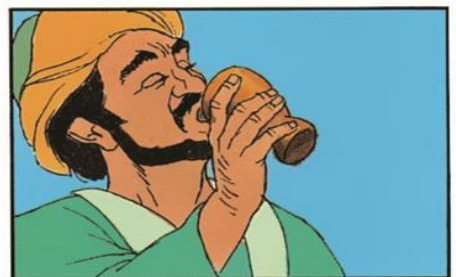
چه فاجعه ای! شراب در حال تمام شدن است!



اینرا بچش! تو بهترین شراب را تا حال نگهداشته ای!



آب؟ به هیچ وجه! این بهترین شراب است!



او کی است؟ عیسی ناصری این کار را کرده است!

هیچ باورم نمیشه! تا به حال هرگز به چنین جشن عروسی نرفته بودم. آب به شراب تبدیل شده!

کفرناحوم قریهٔ مرفه ماهی‌گیری نزدیک به بحیرهٔ جلیل است. در اینجا عیسی به تعلیمات خود دربارهٔ پادشاهی خدا شروع می‌کند.



شمعون، کشتی را به قسمت‌های عمیق آب بران و تورهای تانرا در آنجا بیندازید.



و در اینجا نخستین شاگردانش را انتخاب می‌کند.



بینید! باورم همیشه!

اما حالا که تو می‌گویی بچشم.....



ای استاد، ما تمام شب زحمت کشیدیم و هیچ چیزی نگرفتیم.

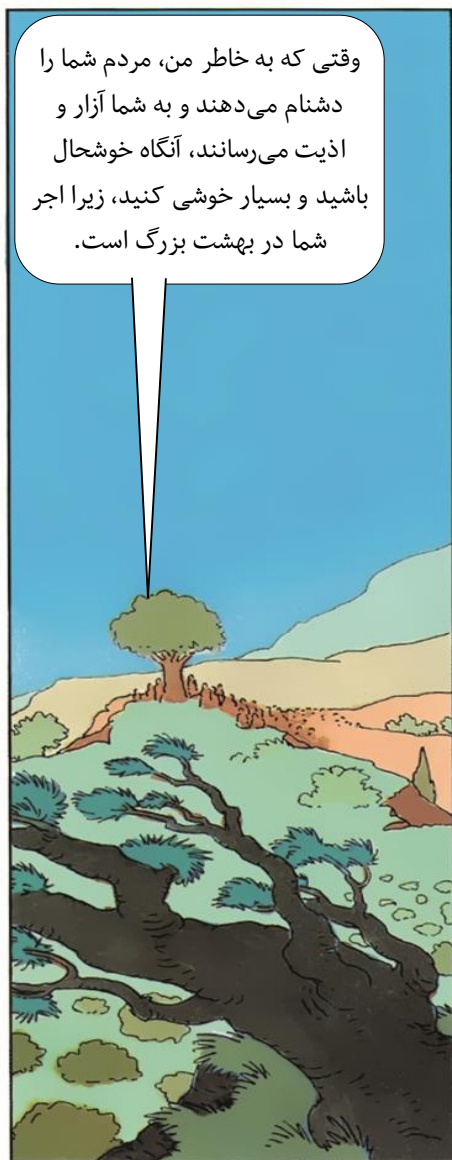






خوشا بحال مسکینان در روح، زیرا پادشاهی آسمانی از آن ایشان است.

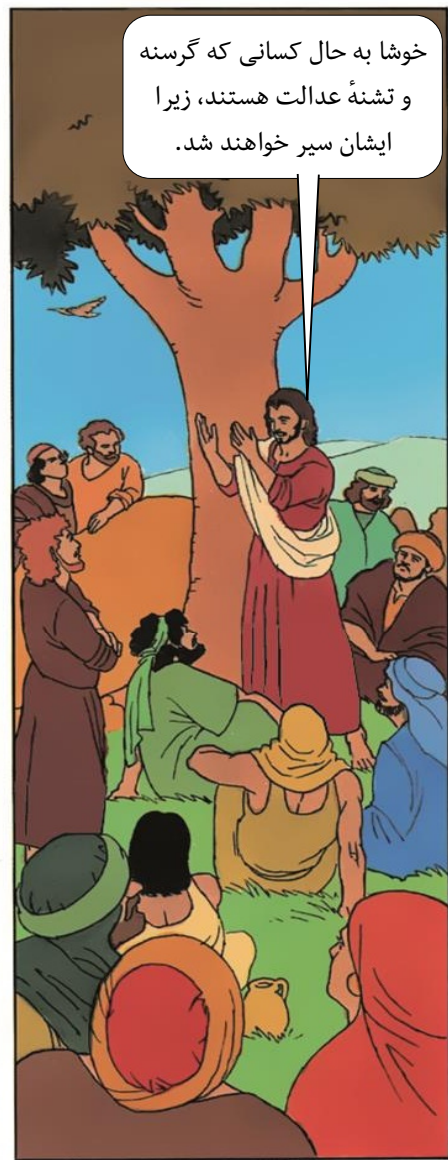
عیسی با شاگردانش سرتاسر اسرائیل را می‌پیماید و هر جایی که می‌رسد پادشاهی خدا را اعلام می‌کند. او بیمارانی را شفا می‌دهد و مردم را از قدرتهای شیطانی آزاد می‌سازد. مردم از رفتارهای حیران‌کننده او و از او پیروی می‌کنند. آنها از شهرهای دور دست می‌آیند و حتی از اورشلیم که پایتخت اسرائیل می‌باشد. آنها با دقت کلامش را می‌شنوند.



وقتی که به خاطر من، مردم شما را دشنام می‌دهند و به شما آزار و اذیت می‌رسانند، آنگاه خوشحال باشید و بسیار خوشی کنید، زیرا اجر شما در بهشت بزرگ است.



خوشا به حال کسانی که ماتم زده اند زیرا ایشان تسلی خواهند یافت.



خوشا به حال کسانی که گرسنه و تشنه عدالت هستند، زیرا ایشان سیر خواهند شد.





آن بالا چه شده؟ آنها چکار می کنند؟

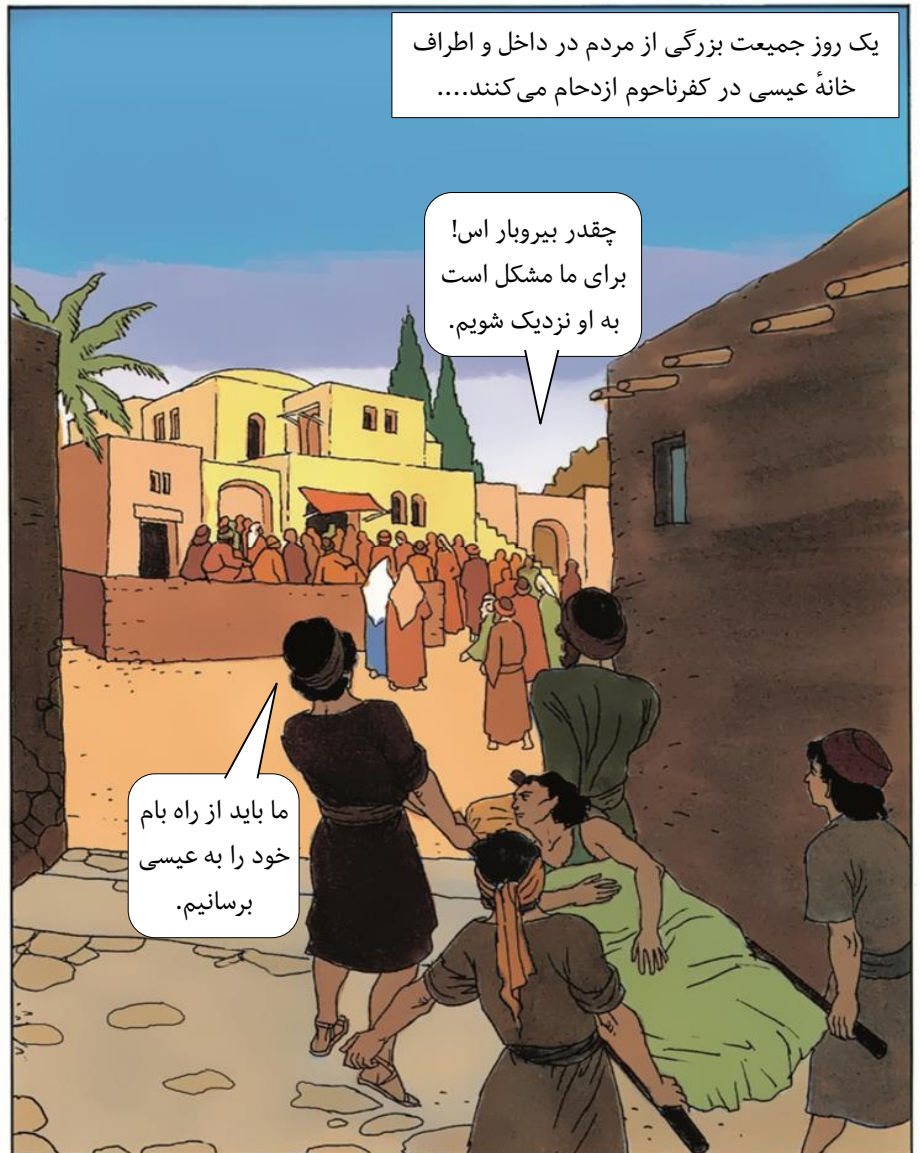
اذیتشان نکنید. ایمان آنها بسیار قوی است.



گناهان تو بخشیده شد.



مسیح خدا قدرت و اختیار بخشیدن گناهان را دارد. من می گویم بلند شو و بسترت را بردار و بخانه برو!



یک روز جمعیت بزرگی از مردم در داخل و اطراف خانه عیسی در کفرناحوم ازدحام می کنند....

چقدر بیروبار اس! برای ما مشکل است به او نزدیک شویم.

ما باید از راه بام خود را به عیسی برسانیم.



به نظر شما چه مشکل تر است؟ بخشش گناه و یا شفا دادن یک مرد شل؟



شنیدید که چه گفت؟ او چطور جرأت می کند که چنین کفر بگوید؟

او خدا را مسخره می کند!

غیر از خدا چه کسی می تواند گناهان مردم را ببخشد؟



عجیب اس! او
راه می رود!

ببینید! من
می توانم راه
بروم!

باورم
نمیشه!



دست این مرد خشک شده
است. آیا روا است که امروز
شفایش بدهی؟

عیسی کارهای خوبی زیادی انجام
می دهد. او با حکمت و اقتدار سخن
می گوید. او جز رحمت و فضل هیچ
چیز نمی تاباند. اما همه از او خوشحال
نیستند. رهبران دینی می خواهند
شریعت را حفظ کنند. آنها می بینند که
آیا عیسی قوانین شریعت را رعایت
می کند یا خیر. مانند روز سبت. در این
روز اول هفته انجام هر نوع کار به
شدت ممنوع است...

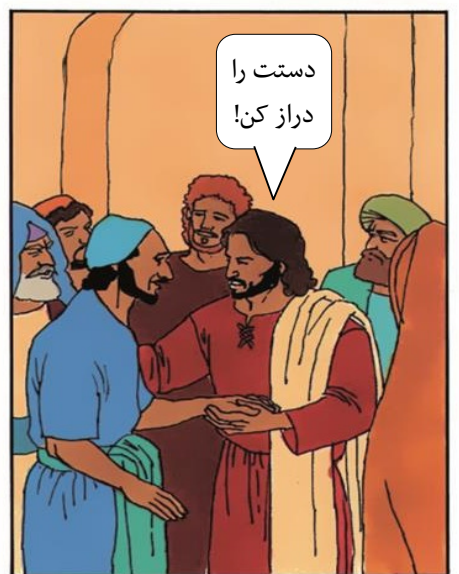


به رهبران در
اورشلیم باید خبر
بدهیم که او مردم
را بیراه می سازد!

ما باید از شر
عیسی خلاص
شویم!



ببینید شفا
یافتم!



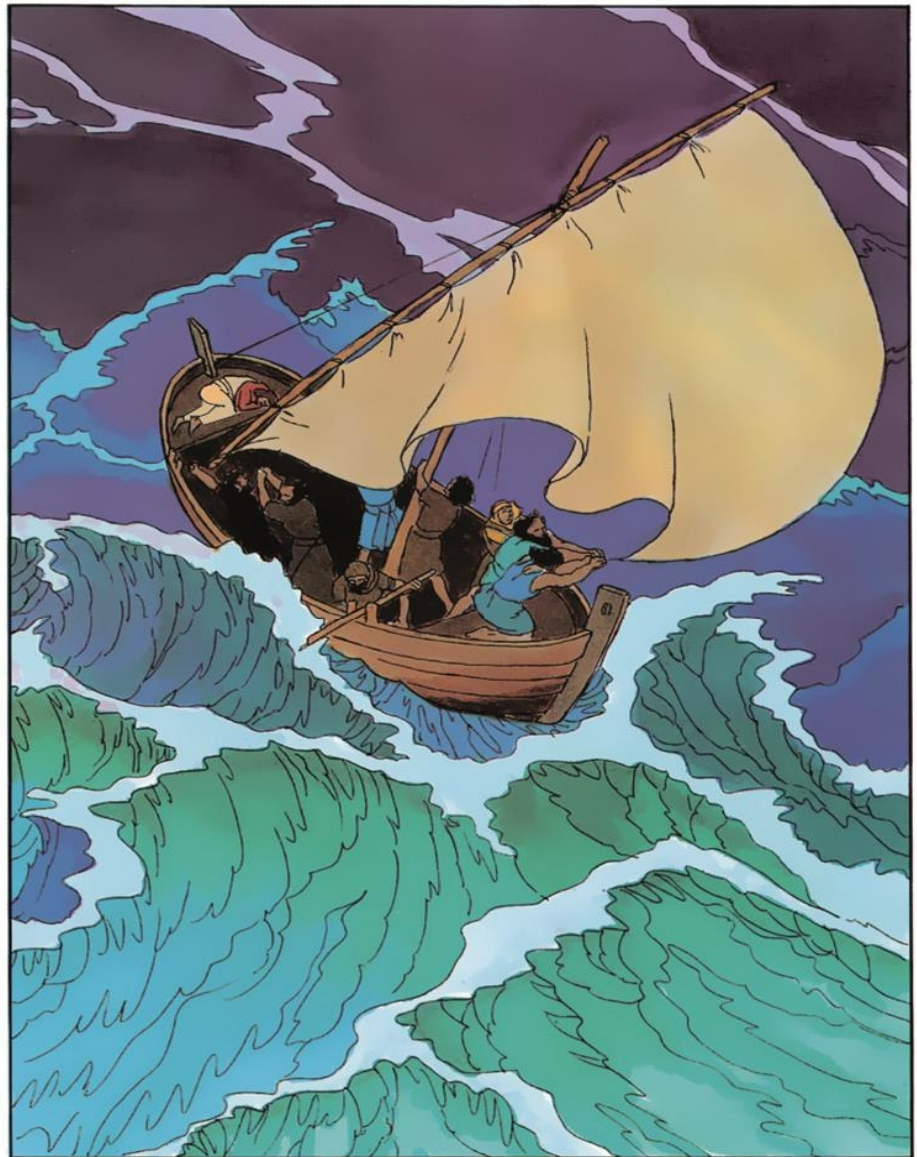
دست را
دراز کن!



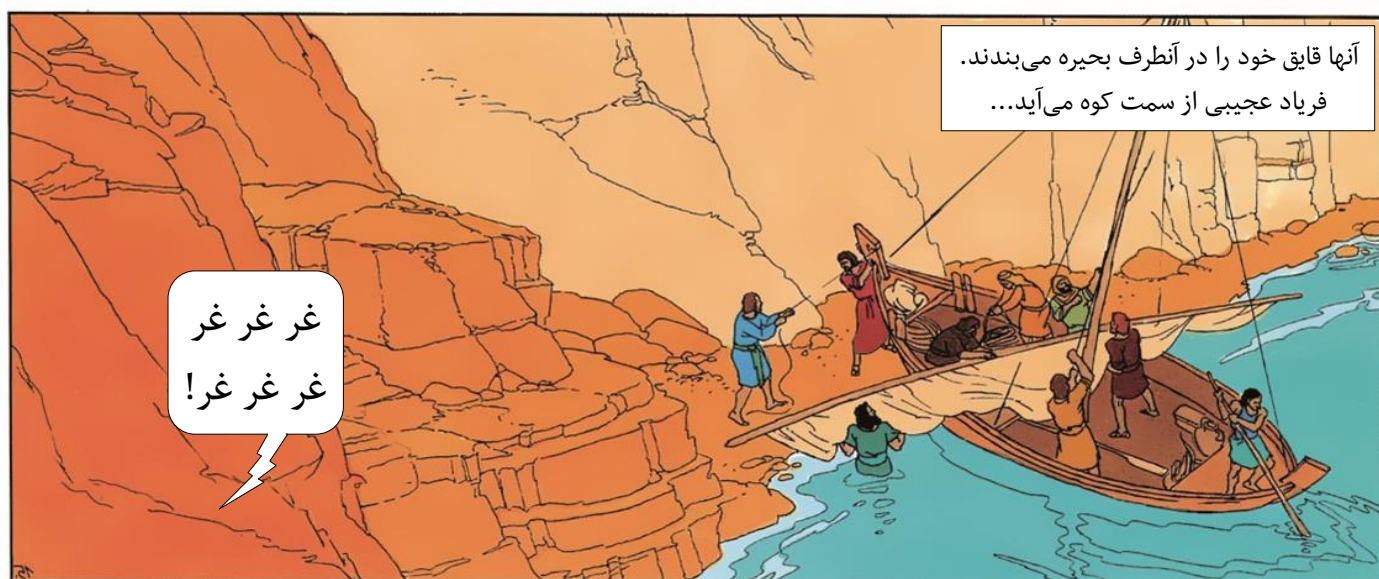
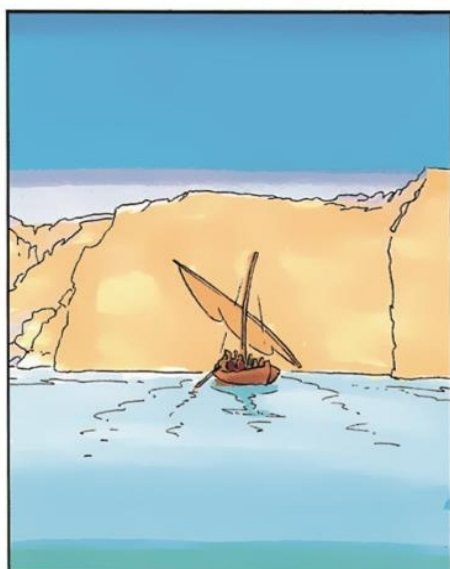
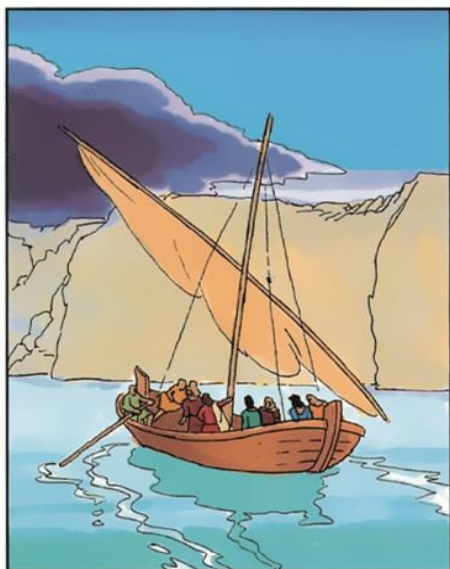
با بالا گرفتن تنش بین عیسی و رهبران، عیسی عقب نشینی می‌کند. او با شاگردانش به سوی بحیره می‌رود. اما...

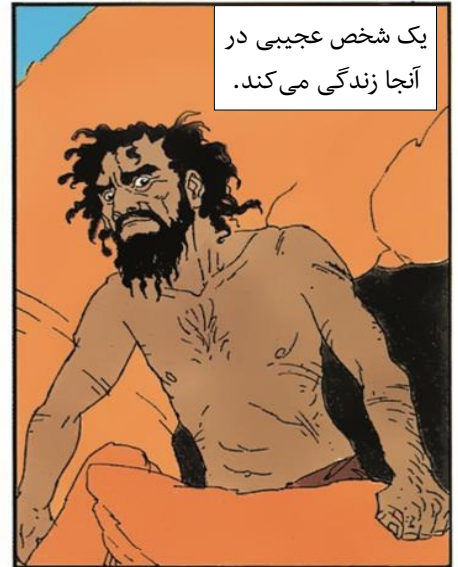


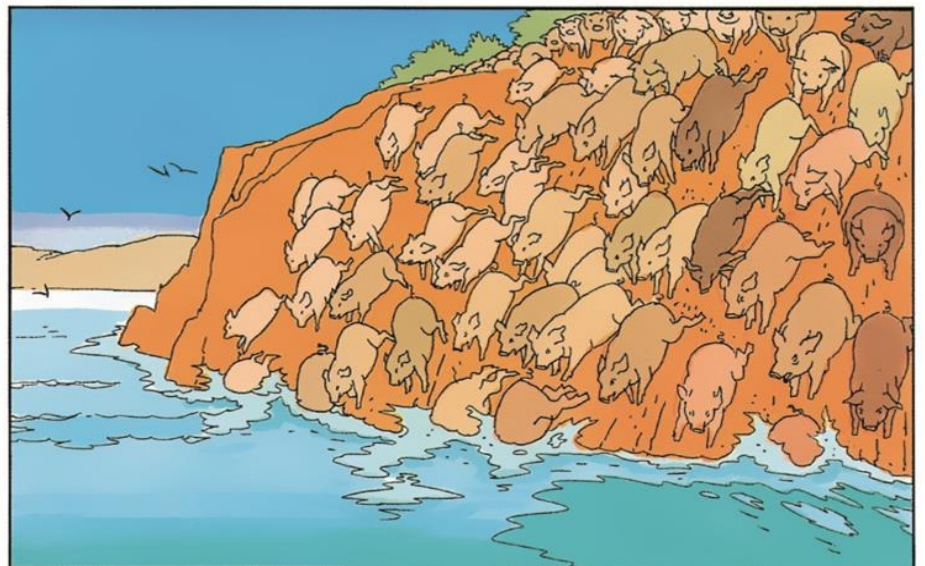
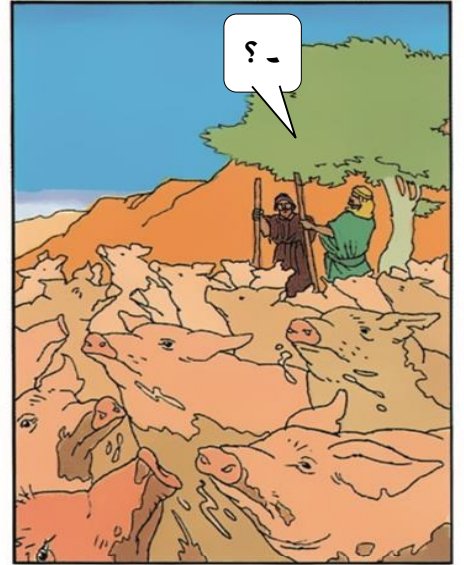
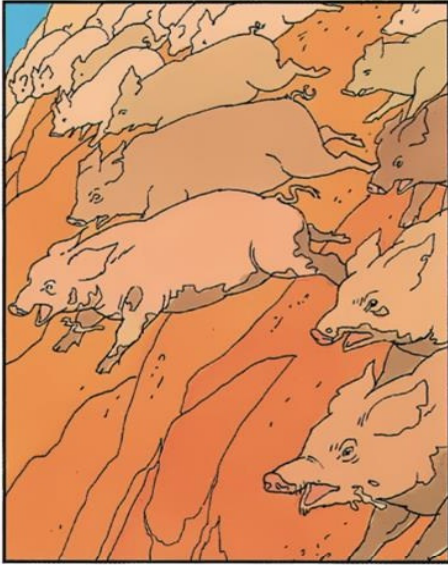
استاد! کمک کن! نزدیک است غرق شویم!



چرا می‌ترسید؟ ایمان شما کجاست؟









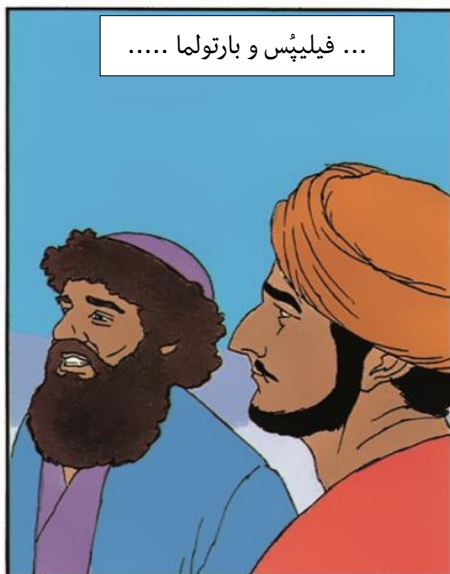
شما باید بدانید که من در پی انجام خواسته های خودم نیستم بلکه اراده پدری را انجام می دهم که مرا فرستاده است.



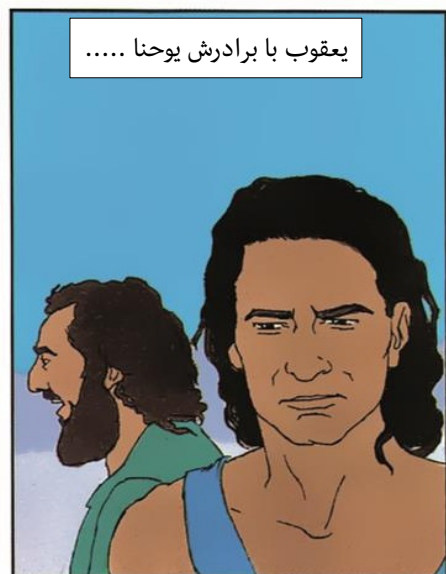
پس از یک شب دعا، عیسی ۱۲ شاگرد خود را به عنوان رسولان انتخاب می کند و آنها را دو به دو می فرستد. او اختیار بیرون کردن ارواح ناپاک و شفا دادن بیماریها را به آنها عطا می کند....



عیسی مرتب به جاهای خلوت و آرام می رود و با خدا راز و نیاز می کند....



... فیلیپس و بارتولما



یعقوب با برادرش یوحنا



آنها شاگردان عیسی هستند. پطرس و برادرش اندریاس

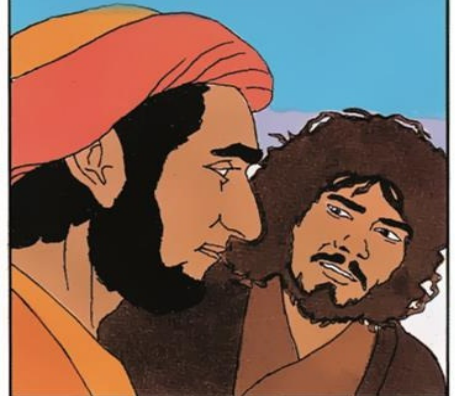
.... شمعون (معروف به فدایی) و
یهودای اسخریوطی



تدی و یعقوب دیگر



توما و متی که در سابق جزیه گیر و در
خدمت اشغالگران رومی بود



بروید. هرکسی که شما را بپذیرد، مرا پذیرفته
است و هرکسی که مرا بپذیرد، خدا را که مرا
فرستاده است، نیز قبول کرده است.



ببینید! محصول زیاد است ولی کارگر کم. پس از
صاحب محصول در خواست کنید تا برای جمع
آوری محصول کارگران بیشتری بفرستد.



شاگردانش با خوشی بر
می گردند. بعداً عیسی با آنها به
صحرا می رود تا تنها باشند ولی
مردم از تصمیم اش با خبر
می شوند و دنبالش می روند.

عیسی به تعلیم دادن و شفای بیماران مشغول است. شب نزدیک می‌شود

فیلیپس، از کجا نان
بخریم تا این همه مردم
بخورند؟ چرا شما چیزی
به ایشان نمی‌دهید؟



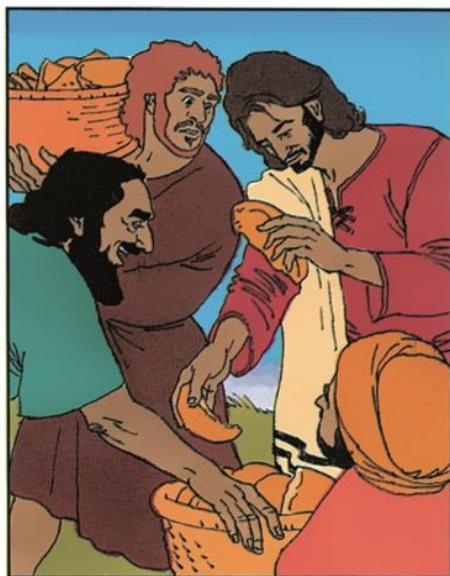
مردم را در گروه‌های
پنجاه نفری بنشانید.



در اینجا پسری است که پنج نان و دو ماهی
دارد، این همه چیز است که ما داریم.



اگر دو صد سکه نقره را هم نان
بخریم، برای ایشان کافی نیست.



او نان و ماهی را در میان
مردم تقسیم می‌کند!



عیسی از خدا
شکرگزاری می‌کند
.....



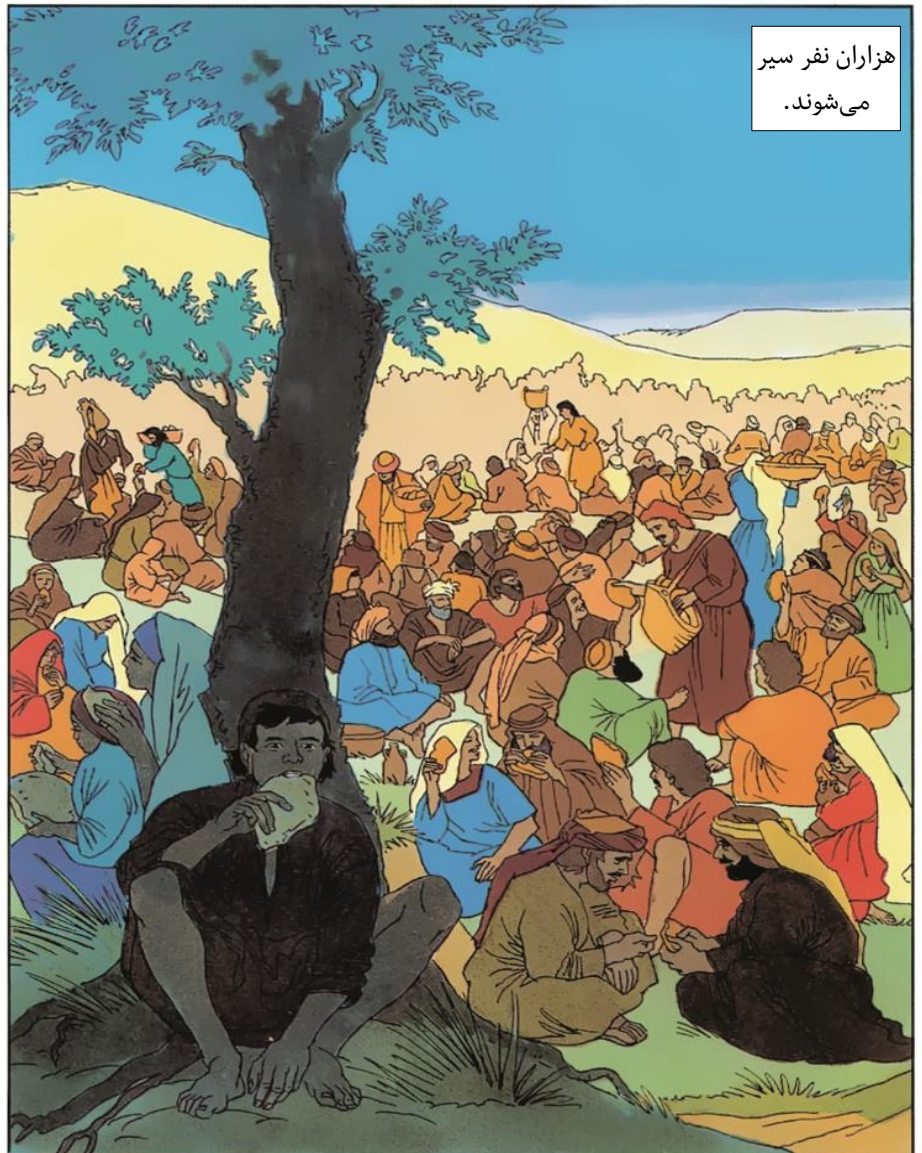


او باید همان مسیح
موعود باشد.

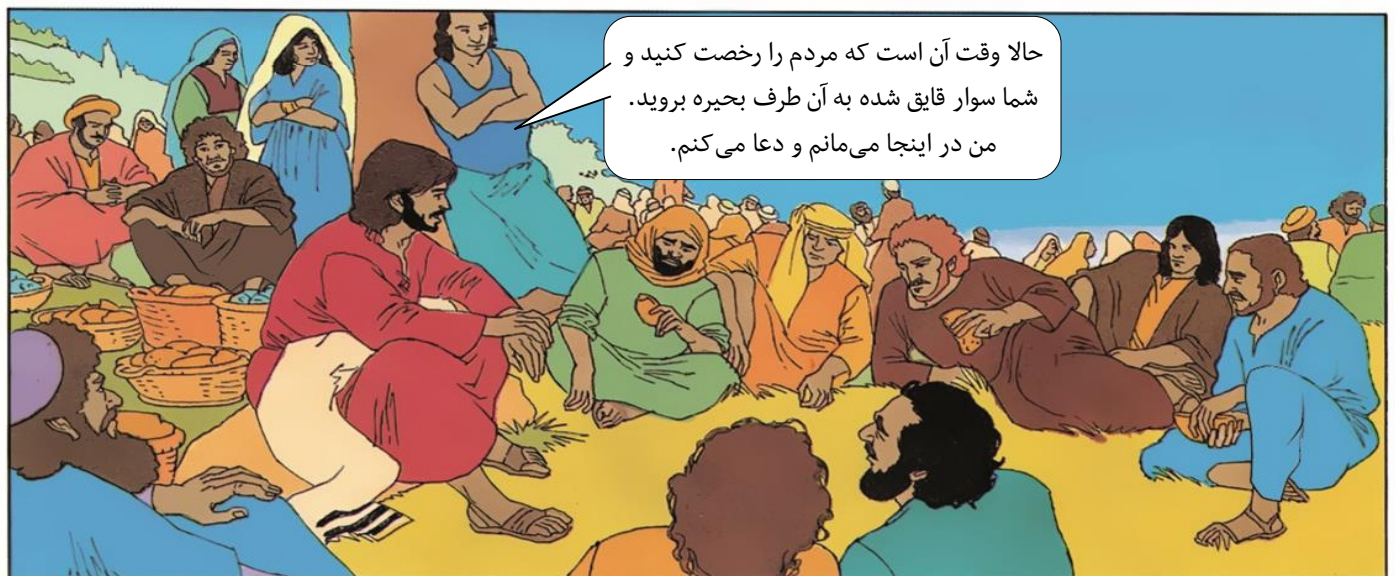
ما او را به
زور پادشاه
می‌سازیم!



ببینید! دوازده سبد از
توته های نان پُر شد.



هزاران نفر سیر
می‌شوند.



حالا وقت آن است که مردم را رخصت کنید و
شما سوار قایق شده به آن طرف بحیره بروید.
من در اینجا می‌مانم و دعا می‌کنم.



کمک! این یک روح است!

نترسید!



در همان شب...



ای استاد، نجاتم بده!



بیا!

ای استاد! اگر تو هستی به من امر کن تا من هم بر روی آب نزد تو بیایم.



ای پطرس، چرا شک کردی؟





آیا به خاطر نانی
که به شما دادم
مرا می پالید؟

استاد، چه وقت به
اینجا آمدی؟

برخی می‌خواهند عیسی را به زور پادشاه بسازند. آنها امیدوارند که او اشغالگران رومی را نابود کند. مخالفان عیسی در حال افزایش هستند. با وجود اینکه او به مردم کمک می‌کند، مگر رهبران مذهبی فکر می‌کنند که او قانون را نقض می‌کند. آنها می‌خواهند مردم را در مقابل او بشورانند و خود را از شر او خلاص سازند...



او همه ما را
مسخره
می‌کند!

چگونه این شخص
می‌تواند بدن خود را به
ما بدهد تا بخوریم؟



من نان زندگی هستم. هرکس از این
نان بخورد تا ابد زنده خواهد ماند.
نانی که من برای زندگی جهان
می‌بخشم، بدن خود من است.



نگران خوراکی نباشید که ناپدید
می‌شود، بلکه نگران غذایی باشید
که ماندگار است و زندگی ابدی
می‌بخشد.



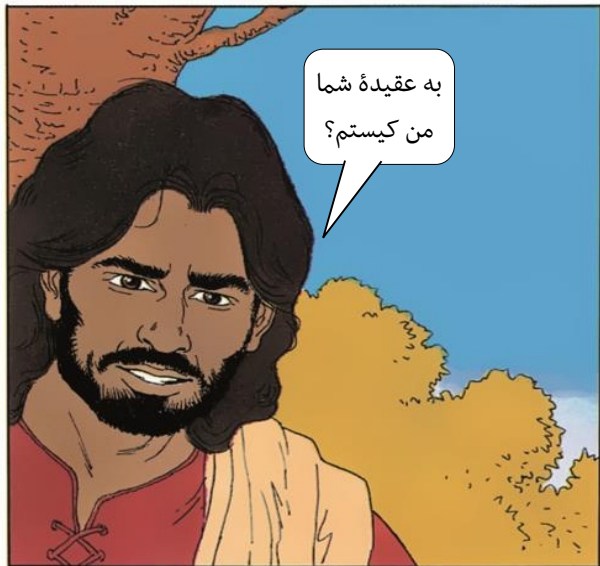
آیا شما هم
می‌خواهید مرا
ترک کنید؟

سرورم، نزد چه کسی
برویم؟ سخنان زندگی
ابدی نزد توست.



برویم
رهاش
کنیم!

او ما را
فریب
می‌دهد!





خارج از اورشلیم، محکومین به اعدام طبق قوانین ظالمانه رومی، به طرز وحشیانه ای بالای صلیب میخکوب شده و کشته می‌شوند....



هرکسی بخواهد جان خود را حفظ کند، آن را از دست خواهد داد اما هرکسی به خاطر من جان خود را فدا کند آن را نگاه خواهد داشت.



هر کس می‌خواهد پیرو من باشد باید از خود بگذرد، صلیب خودش را بردارد و مرا پیروی کند.



و اولین حکم این است که خداوند را با تمام دل و جان و ذهن و تمام قدرت خود دوست بدار و دوم این است که همسایه ات را مانند خود محبت نما.



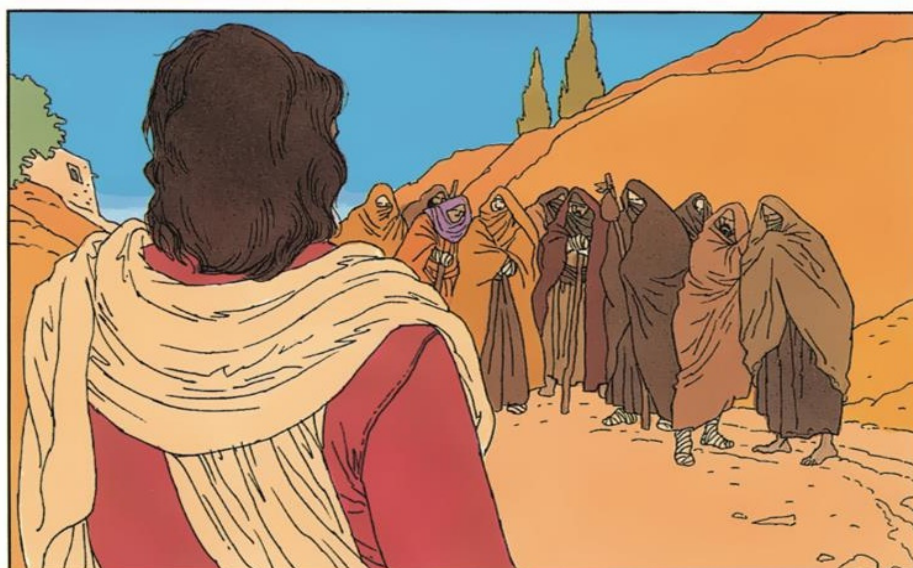
اینرا باید بدانید خداوند، خدای ما یکتا و یگانه است.

در این زمان در اسرائیل دهکده هایی وجود دارند که مختص به جذامیها می باشند. بیمارانی که مبتلا به این مرض هستند اجازه ندارند با افراد سالم در تماس باشند.



جذامیهایی که در راه روان هستند باید دیگران را با صدای بلند خبر کنند.

جذامی!
جذامی!



ای عیسی! ای استاد! به ما رحم کن!





پیش کاهن؟
یعنی چه؟

منظورت این است که بعد از آنکه
شفا یافتیم باید پیش کاهن برویم؟



پیش کاهن بروید و
خود را به او نشان
بدهید!



بلی!

شفا یافتیم!
شفا! شفا!



ببین شفا
یافتم!



!!

??



برخیز و برو! ایمانت
ترا شفا داده است.



مگر من ده نفر را شفا ندادم؟ دیگران کجا
هستند؟ آنها چرا از خدا تشکری نمی کنند؟



خدا را شکر.
خداوند
نیکوست!

عیسی با افرادی که شهرت بدی دارند معاشرت می کند. مثل فاحشه ها و جزیه گیرانی که برای رومیان کار می کنند...

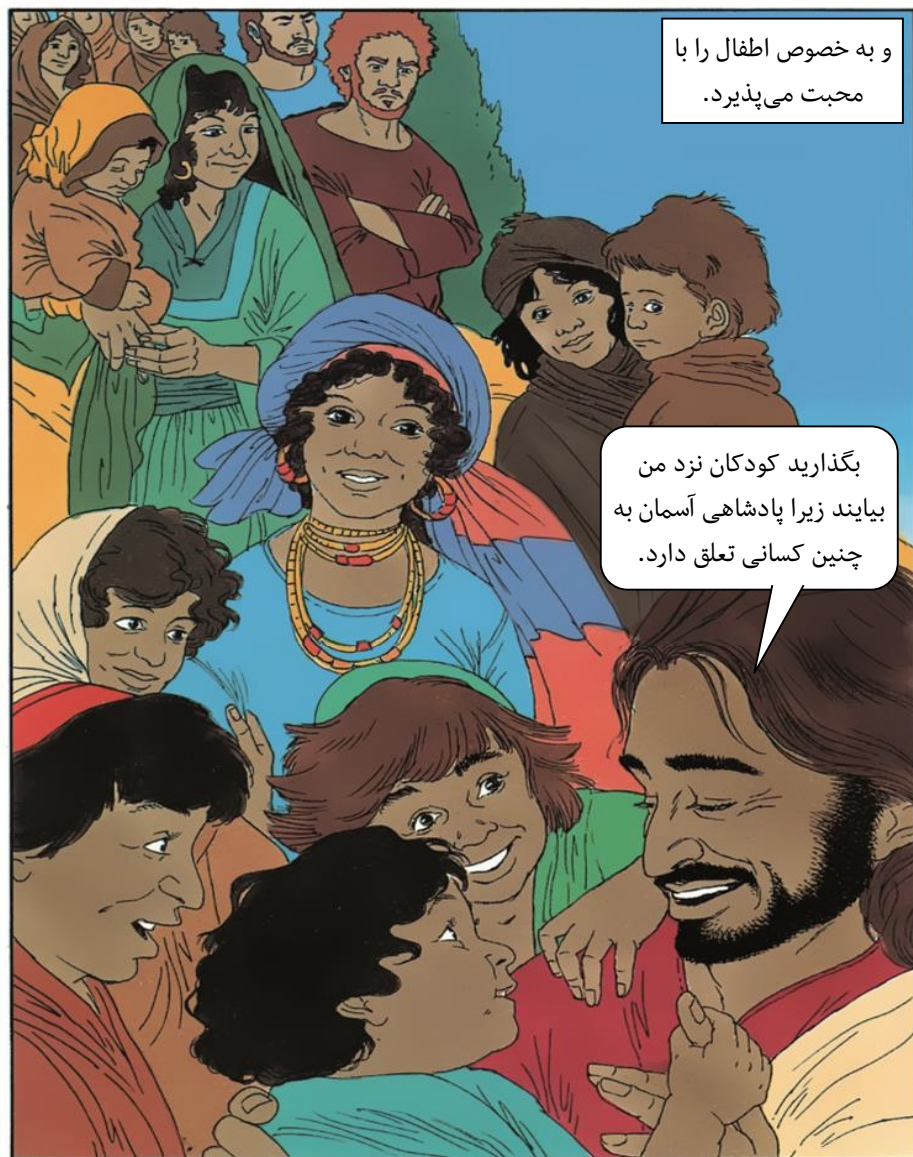
مسیح آمده است تا گمشدگان را پیدا کند و نجات دهد.



رهبران مذهبی در اورشلیم مردانی را برای جاسوسی نزد عیسی می فرستند تا سخنان او را بشنوند. آنها می خواهند در گفتار او چیزی را پیدا کنند تا او را متهم سازند...

و به خصوص اطفال را با محبت می پذیرد.

بگذارید کودکان نزد من بیایند زیرا پادشاهی آسمان به چنین کسانی تعلق دارد.



مسیح در روز سبت بیماران را شفا می دهد.

سالم شو!





به عیسی پیغامی می‌فرستند و به بیت عنیا دعوتش می‌کنند. این قریه در نزدیکی اورشلیم قرار دارد و مردی بنام ایلعازر ساکن آنجاست. او مریض است و دو خواهرش به نامهای مرتا و مریم با عیسی دوستند. وقتیکه عیسی وارد بیت عنیا می‌شود به او خیر می‌دهند که ایلعازر مدت چهار روز می‌شود که مُرده است.



می‌دانم که او در روز قیامت زنده خواهد شد.



مرتا، برادر تو دوباره زنده خواهد شد.



اگر تو اینجا می‌بودی، برادرم نمی‌مرد!



او را کجا دفن کردید؟

سرورم، بیا و ببین!



یلی سرورم، من ایمان دارم که تو مسیح موعود و پسر خدا هستی که باید به جهان می‌آمد.



من قیامت و حیات هستم. کسی که به من ایمان بیاورد حتی اگر بمیرد، زنده خواهد شد. آیا اینرا باور می‌کنی، مرتا؟



آنانی که بر تخت قدرت و در اورشلیم نشسته اند،
بیشتر از همه نگران عیسی و پیروانش هستند ...



این شخص بسیار
معجزه میکند.

اگر او را بحال خودش بگذاریم آنوقت
دولت روم به اینجا لشکر کشی می کند!

آنها ما را خواهند کشت و معبد
بزرگ ما را ویران خواهند کرد!



باید فکر کنید. بگذارید یک
نفر به خاطر قوم بمیرد تا
ملت ما به کلی نابود نشود.

به این دلیل عیسی
باید بمیرد!



یک مرد باید برای همه مردها
بمیرد! به همین دلیل است که
رهبران مذهبی به دنبال فرصتی
برای گرفتاری عیسی هستند. او در
راه اورشلیم است. که خیلی کار
راحت است. آنها از رومیان
می خواهند که او را به اعدام
محکوم کنند...



در وقت وقوع حوادث در بیت
عنیا جشنی برپا می شود.



حیف است! این عطر
بسیار قیمتی بود.



مریم!



بهتر بود آنرا
می فروختیم و پولش را
به فقرا می دادیم!



یهودا، کاری به
کارش نداشته باش.
او بدن مرا برای دفن
آماده می کند.



کم کم عید فصح نزدیک می‌شود،
مردم از گوشه و کنار کشور در
اورشلیم جمع می‌شوند.



رهبران یهود در صدد دستگیری عیسی بر
می‌آیند. با اینهمه عیسی راهش را به
سمت اورشلیم تغییر نمی‌دهد.





ای اورشلیم! کاش که امروز
سرچشمه صلح و سلامتی را
میشناختی. اما افسوس که این
از چشمان تو پنهان است.



مبارک است آن کسی که
به نام خدا می آید!

پادشاه اسرائیل!



مردم با شور و هلهله از او
استقبال می نمایند.

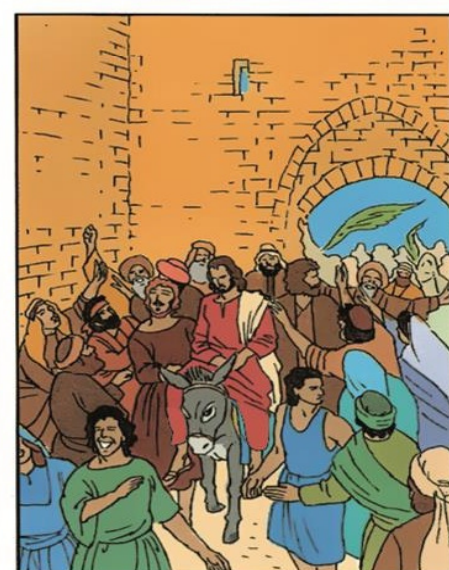
زنده باد!

مبارک
است!



هیچ کاری از
ما ساخته
نیست.

تمام مردم
جهان به دنبال
او روان اند.



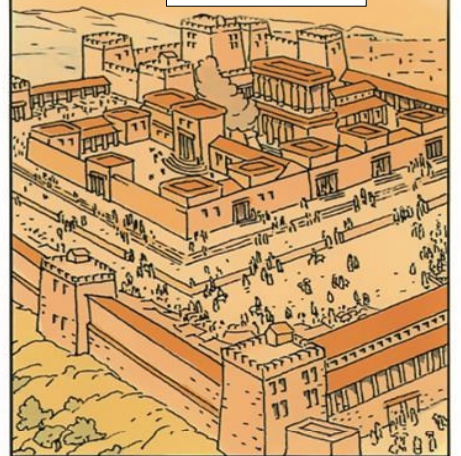
يك قسمتی ازین بره ها بخاطر آشتی مردم با خدا سوختانده می شوند.



در هنگام عید فصح بره ها قربانی می شوند.



معبد اورشلیم مرکز دین یهود است.



در صحن معبد تاجران و صرافان به کسب و کار خود مشغول هستند.

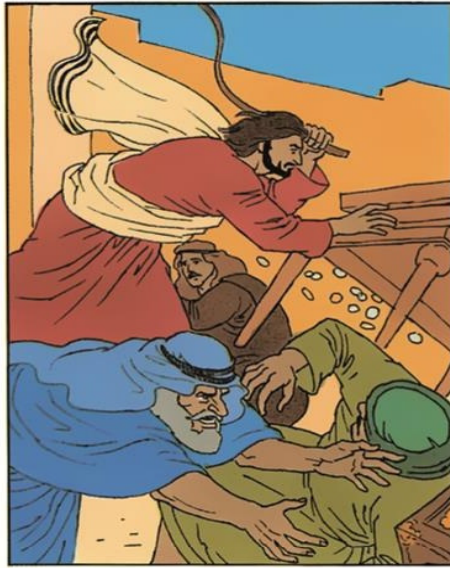
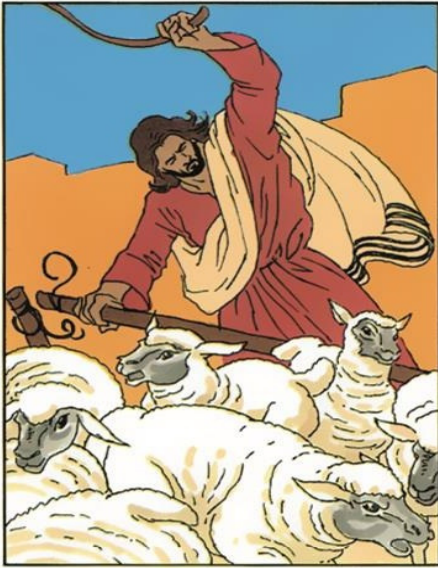


اما کدام بره قربانی می تواند مردم را از گناه، شرم و ترس از قضاوت رهایی بخشد؟



ناگهان عیسی وارد معبد می شود.





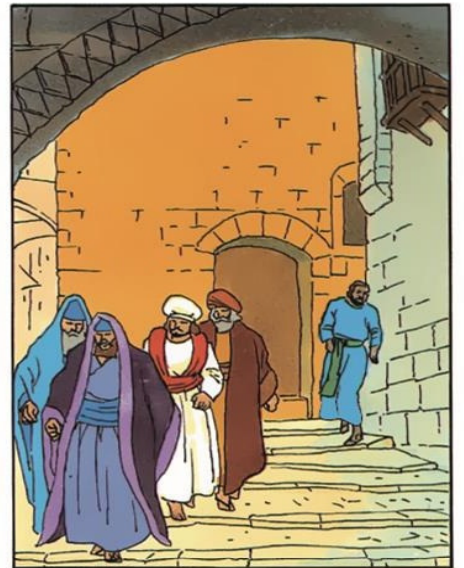
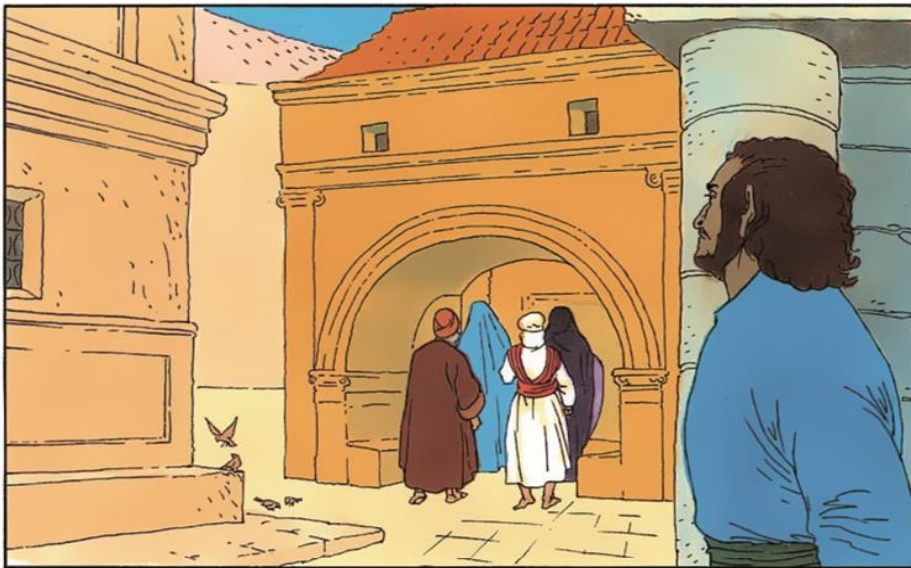
خانه خدا، خانه دعا خوانده خواهد شد. اما شما آن را لانه دزدان ساخته اید!



ما باید چاره ای پیدا کنیم تا از او خلاص شویم.



او خطرناک اس! مردم به گپایش گوش می دهند.



این یهودای
اسخریوطی است،
یکی از شاگردانش!

چقدر بمن می دهید که
عیسی را به شما تسلیم کنم؟



باید با یک حيله او را دستگیر
کنیم و بعداً بکشیمش.

اما در موقع عید نمی شود
این کار را کرد. نمی خواهیم
آشوبی برپا شود.



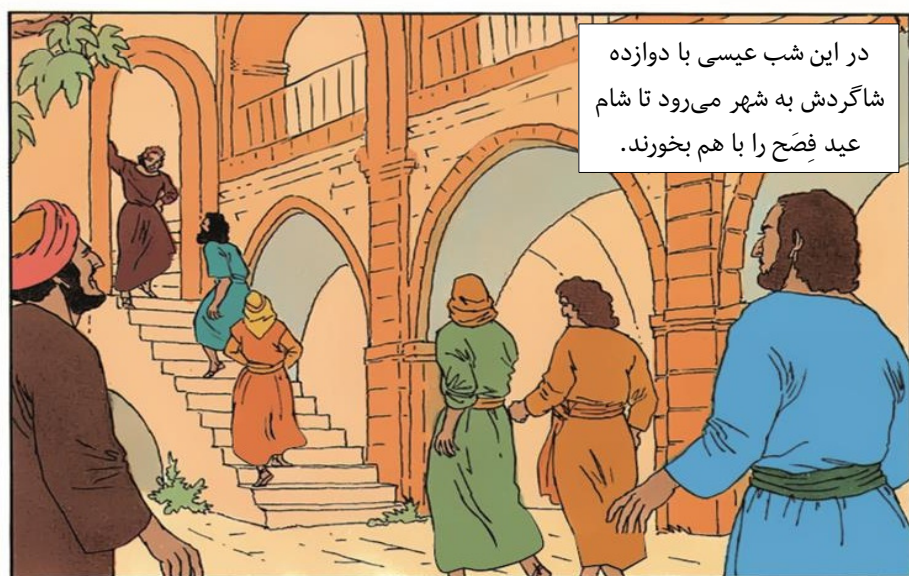
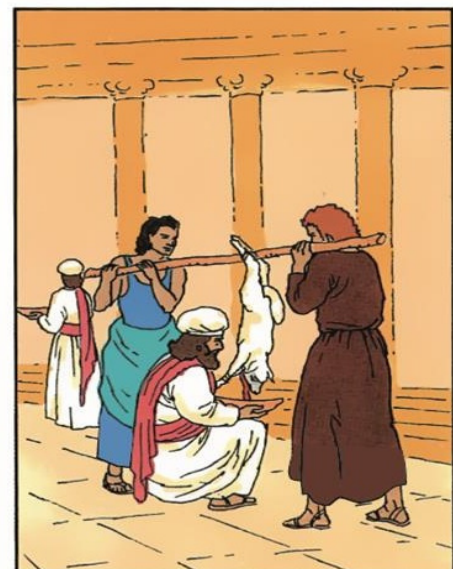
سی سکه نقره به تو
می دهیم که این قیمت
یک غلام است.



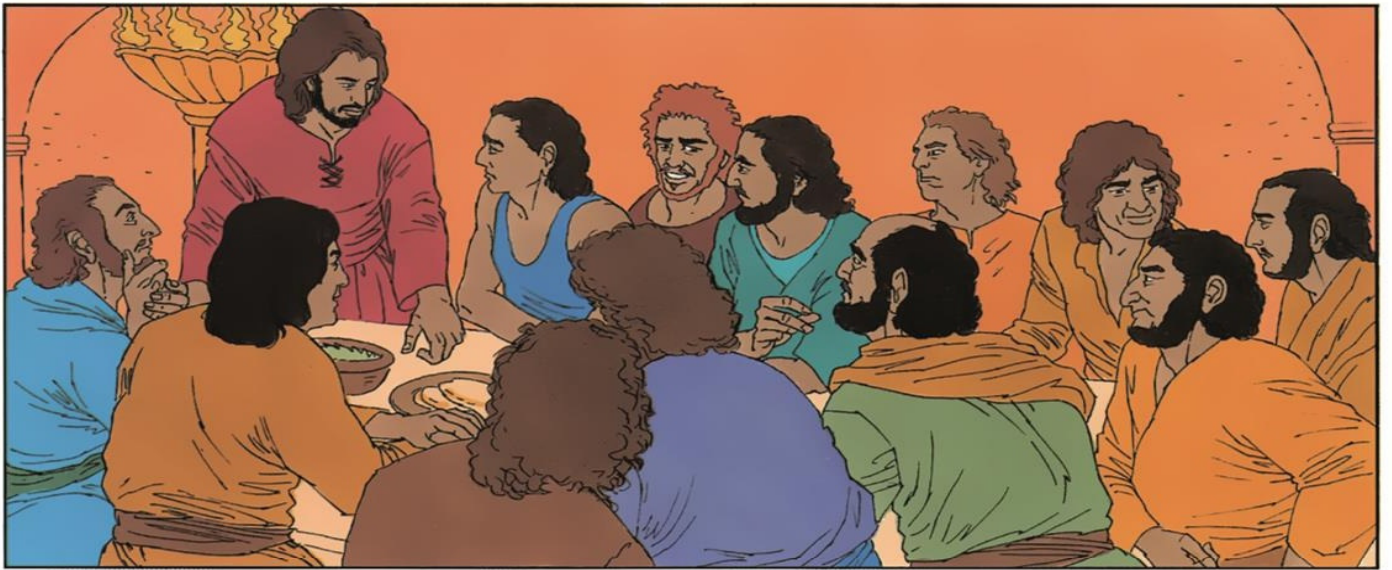
من عیسی را به شما
تسلیم می کنم!



در روزهای قبل از عید فصح، عیسی هر روز به معبد می‌رود تا به مردم تعلیم بدهد. رهبران دینی می‌خواهند زندگی او را زیر فشار قرار بدهند. او از پطرس و یوحنا می‌خواهد که غذای عید فصح را آماده کنند...



در این شب عیسی با دوازده شاگردش به شهر می‌رود تا شام عید فصح را با هم بخورند.



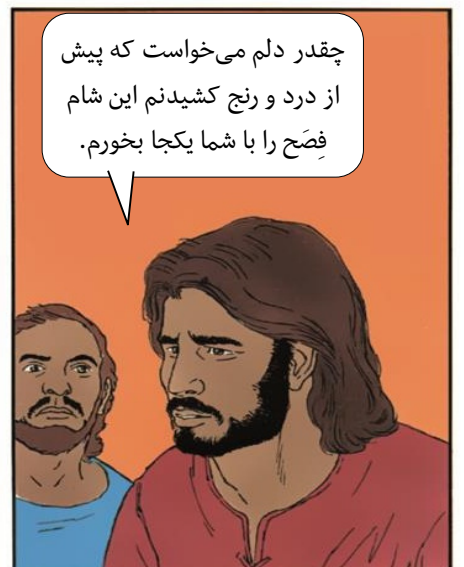
رهبر شما باید
خدمتگزار باشد.



قدرتمندان مردم را بازور به
خدمت می گیرند. اما شما
نباید اینطور باشید.



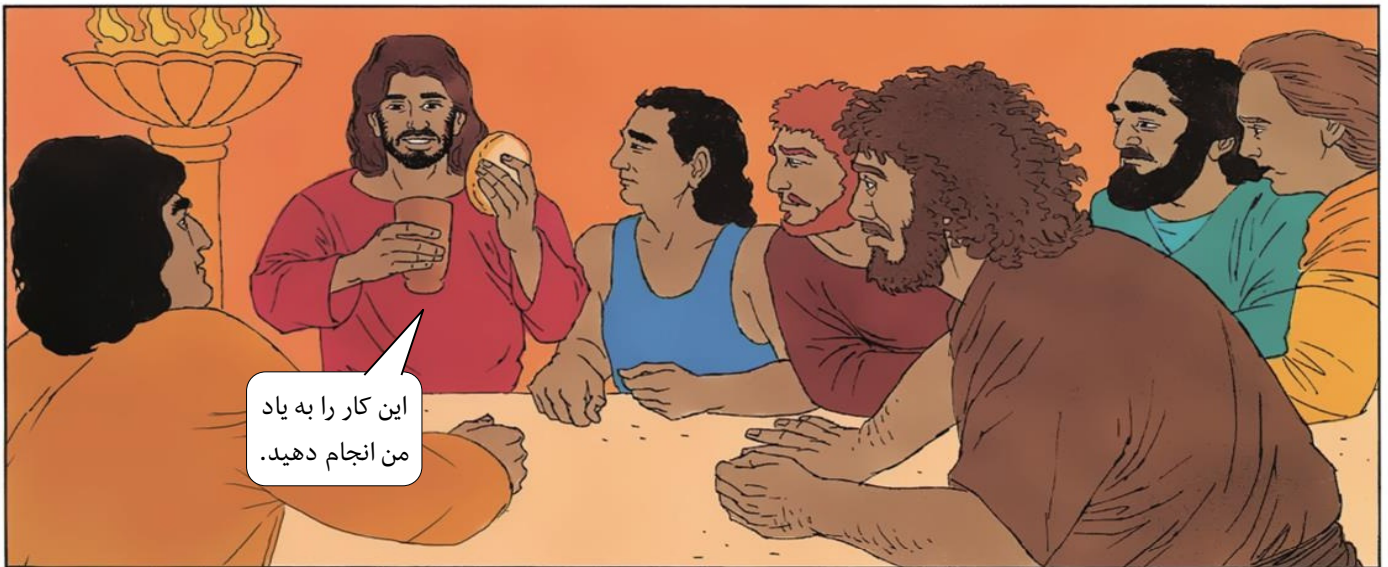
چقدر دلم می خواست که پیش
از درد و رنج کشیدنم این شام
فصح را با شما یکجا بخورم.



من خدمتگزار
شما هستم.







شب می‌شود و عیسی با شاگردانش از شهر خارج می‌شود. یهودا همراه ایشان نیست.

من شما را ترک می‌کنم ولی پدر روح القدس را برای شما می‌فرستند. او به شما کمک می‌کند و پشتیبان شماست.

شما در اینجا بنشینید تا من آنجا رفته دعا کنم ...

من راه، راستی و زندگی هستم. هیچکس جز بوسیله من نمی‌تواند نزد پدر بیاید.

شما می‌دانید که من کجا می‌روم.

اما نه به خواست من بلکه به اراده تو.

ای پدر اگر ممکن است اجازه بده که این پیاله از من دور شود،



عیسی را به خانه کاهن اعظم که رئیس رهبران یهودی است می‌برند. پطرس و یوحنا از دور بدنبال شان می‌آیند.



پطرس وارد حویلی می‌شود.



آیا تو هم با عیسی نبودی؟

ای زن، من او را نمی‌شناسم.



تو هم یکی از آنهاایی؟



البته تو هم با عیسی بودی. تو اهل جلیل هستی!

ای مرد من نمی‌دانم تو چه می‌گوئی!



ای مرد، من نیستم!



عیسی در جستجوی تماس
چشمی با پطرس است...



قو قولي
قو قو!



حالا از غیب بگو
کی تو را می زند؟



او کفر می گوید! جزای او
مرگ است. او را ببرید به
دادگاه رومیان.

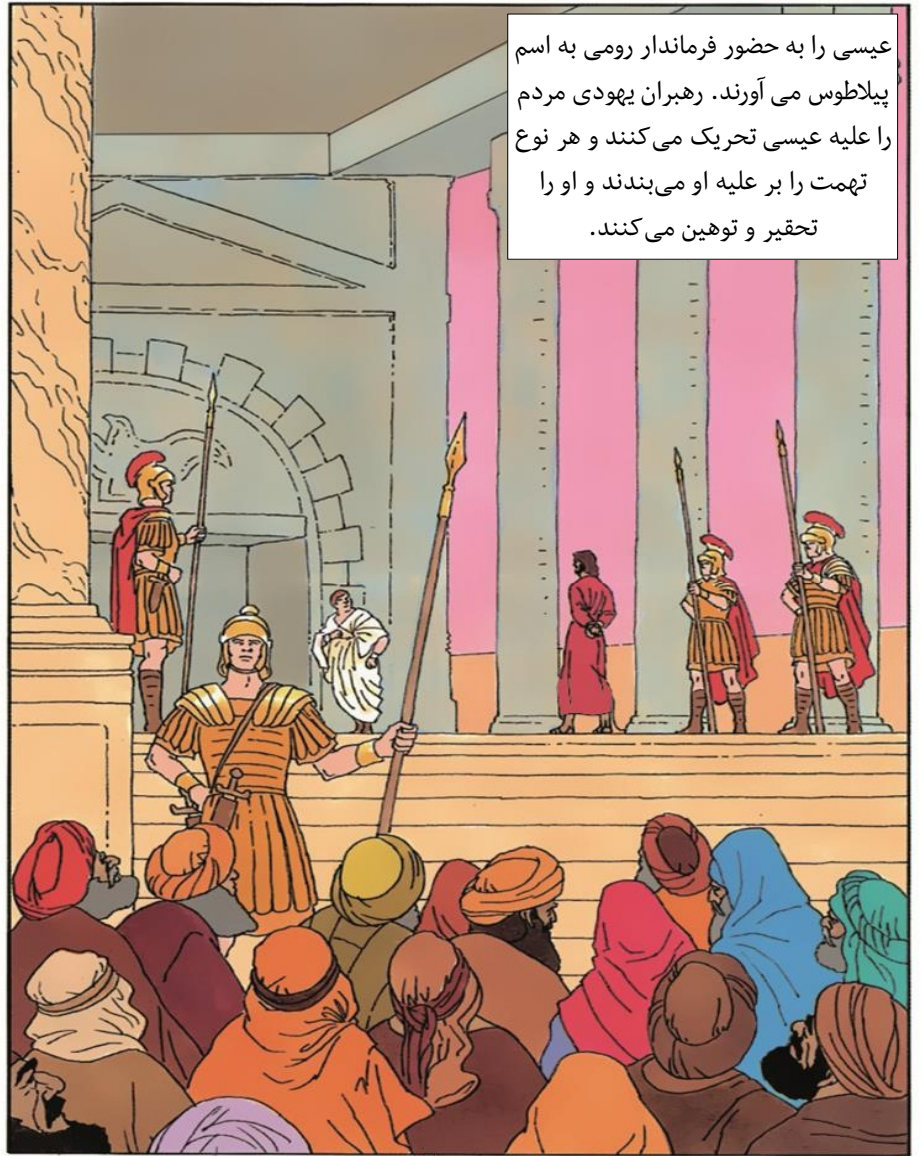


خودتان
می گوید
که هستم.

آیا تو پسر خدا هستی؟

صبح زود عیسی را پیش
شورای یهودیان می برند.

عیسی را به حضور فرماندار رومی به اسم پیلاتوس می آورند. رهبران یهودی مردم را علیه عیسی تحریک می کنند و هر نوع تهمت را بر علیه او می بندند و او را تحقیر و توهین می کنند.



آیا این شهادتهایی را که علیه تو می دهند، نمی شنوی؟



من در این مرد هیچ جرمی نیافتم. اما چون عید فصیح است یک زندانی را آزاد می کنم. کی را آزاد کنم، باراباس را یا عیسی را؟

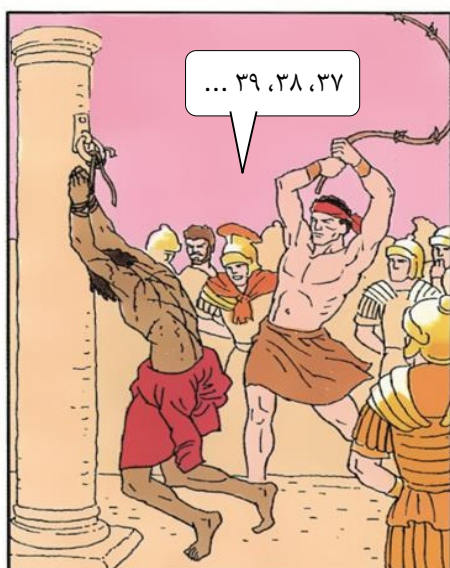


پس حقیقت و راستی چیست؟



مر تکب چه گناهی شدی؟
من آمده ام تا به حقیقت و راستی شهادت دهم.







ببینید، آن مرد اینجاست.

مصلوبش کنید!

مصلوبش کنید!

مصلوبش کنید!



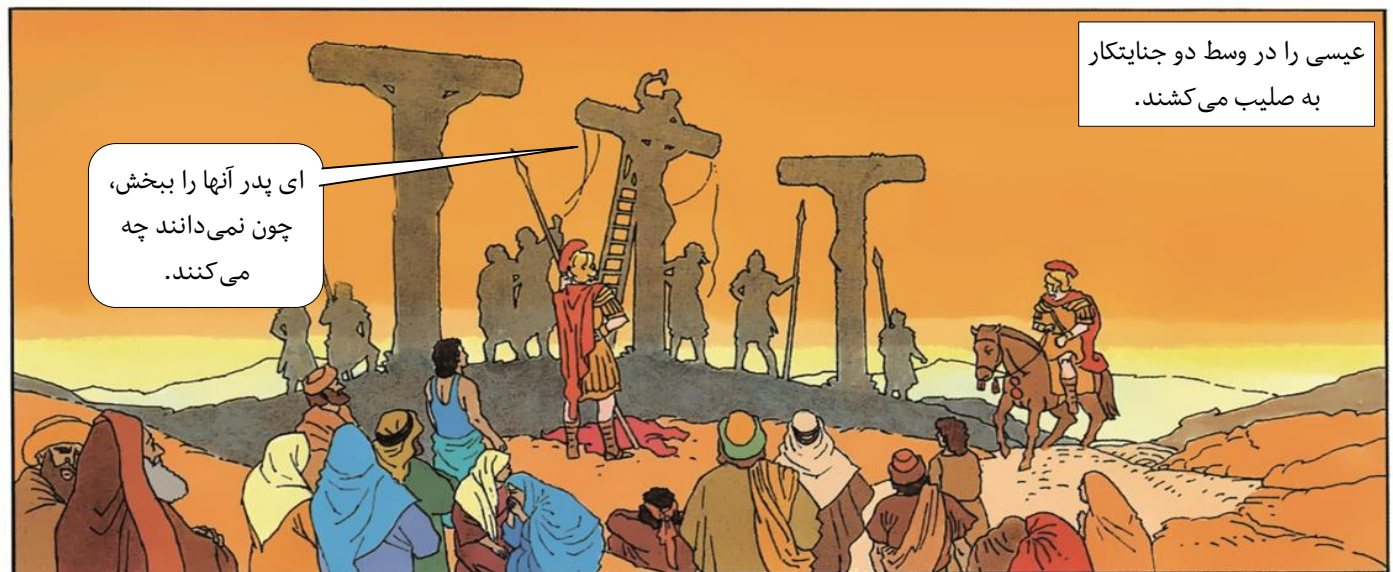
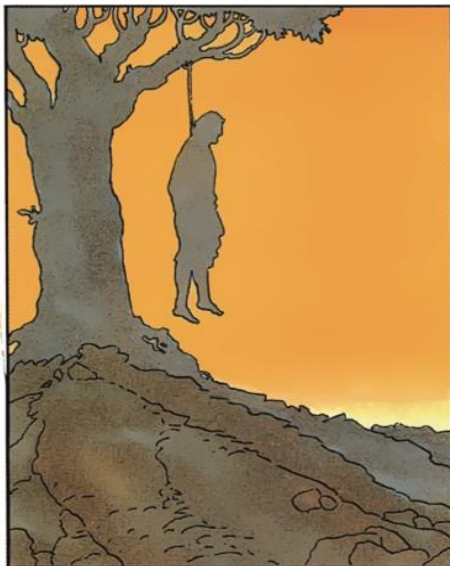
پس پیلاتوس بنا به درخواست آنها حکم اعدام را امضاء می کند. روی صلیب مجازات سختی است. عیسی را مجبور می کنند چوب صلیب را بر دوش خود برداشته و در میان مردم اورشلیم به سمت محل اعدام حرکت کند.



سربازان عیسی را به صلیب میخکوب می کنند!



محل اعدام خارج از شهر قرار دارد و تپه ای به نام جُلجُتا است، به معنی جمجمه یا کاسه سر...





سربازان برای لباس او
قرعه می اندازند.



عیسی از نوشیدن مشروب
ضد درد صرفنظر می کند.



تخته ای بالای سر او بر صلیب
می کوبند که روی آن به سه زبان
نوشتند "این است پادشاه یهودیان".



دیگران را نجات می داد
ولی نمی تواند خودش
رانجات بدهد!

اگر واقعاً فرزند خدا هستی از
بالای صلیب پائین بیا و
خودت را نجات بده!



ای عیسی وقتی به
پادشاهی خود رسیدی
مرا به یاد داشته باش!

من برایت اطمینان
می دهم که امروز با من در
بهشت خواهی بود!



از خدا نمی ترسی؟ بالای تو و او یک حکم شده
است. ما به سزای اعمال خود می رسیم اما این
مرد هیچ گناهی نکرده است!

خودت و ما را
نجات بده!

تقریباً ظهر است که تاریکی تمام آن سرزمین را فرا می‌گیرد.

نزدیک صلیب، عیسی مادر خود را دید که پهلویش شاگردش یوحنا ایستاده است.

از همین حالا شما مادر و پسر هستید.

ای پدر! روح خود را به تو می‌سپارم.

من تشنه‌ام!

خدای من، خدای من، چرا مرا ترک کرده‌ای؟

تمام... شد.

عیسی ساعت سه بعد از ظهر جان می دهد. یکی از سربازان نیزه یی به پهلو او می زند و خون و آب از بدنش جاری می شود.



آیا او مسیح بود که در انتظارش بودیم یا نه؟



او گناهان ما را بر دوش گرفته و آنها را بر صلیب برد. حالا جان داد.



در کلام خدا نوشته شده است که او مانند گوسفندی است که به کشتار گاه برده می شود.

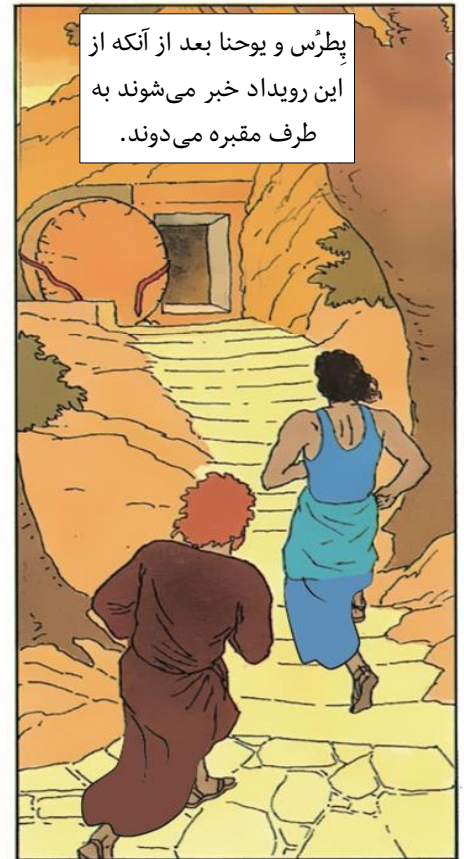
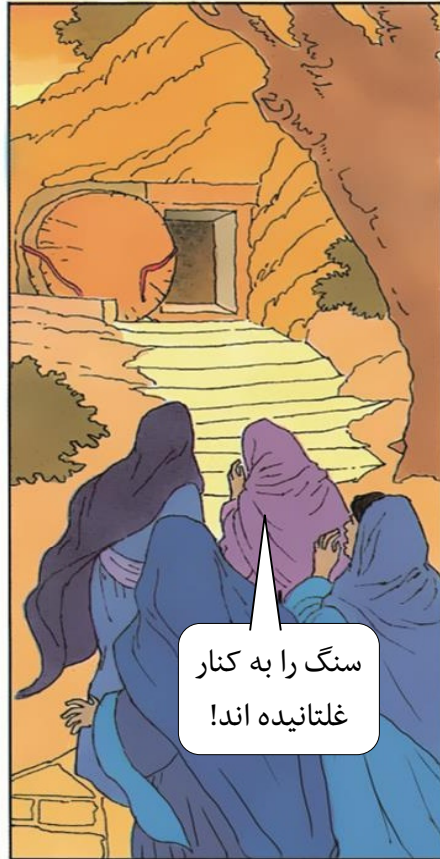


یوسف از اهل رامه و نيقوديموس جسد عیسی را از صلیب پایین می آورند. او را در پارچه کتان نو می پیچند و در قبری که تازه از سنگ تراشیده شده بود می گذارند...



بیائید و برویم. سؤال کنیم که اجازه دفن کردن او را به ما بدهند.







همان روز دو نفر از پیروان شکسته دل عیسی با یک نفر رهگذر در مورد اعدام عیسی صحبت می‌کنند.

آیا شما گفته‌های پیغمبران را قبول ندارید؟ مدتها پیش نوشته شده بود که مسیح باید رنج و زحمت ببیند تا وارد جلال و شکوه خود شود.



آنها سر دسترخوان می‌نشینند و ناگهان مهمانشان ناپدید می‌شود...

این خود عیسی بود.



آنها همان لحظه با عجله نزد یازده شاگرد دیگر به اورشلیم برگشتند.

ما خداوند را دیدیم!

مریم و پطرس همچنین!

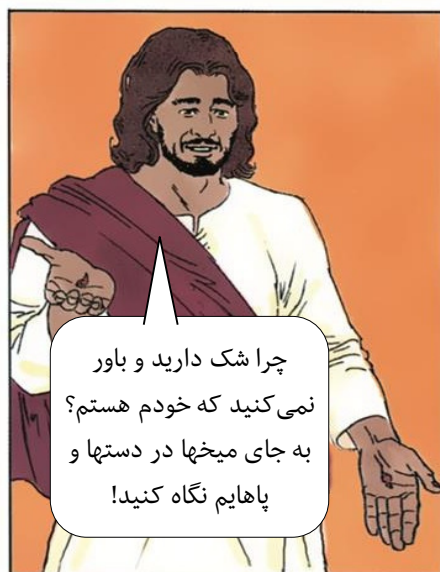


ناگهان

صلح و سلامت بر شما باد!



چرا شک دارید و باور نمی‌کنید که خودم هستم؟ به جای میخها در دستها و پاهایم نگاه کنید!



ای سرور من و ای خدای من!





نه! موفق نشدیم.

دوستان چیزی گرفته اید؟

عیسی در مدت چهل روز، چندین بار به شاگردانش ظاهر شد. یک بار هم به بیش از پنجاه نفر از پیروان خود ظاهر شد. شاگردان او به جلیل بر می گردند. یک روز که آنها ماهی گیری می کنند...



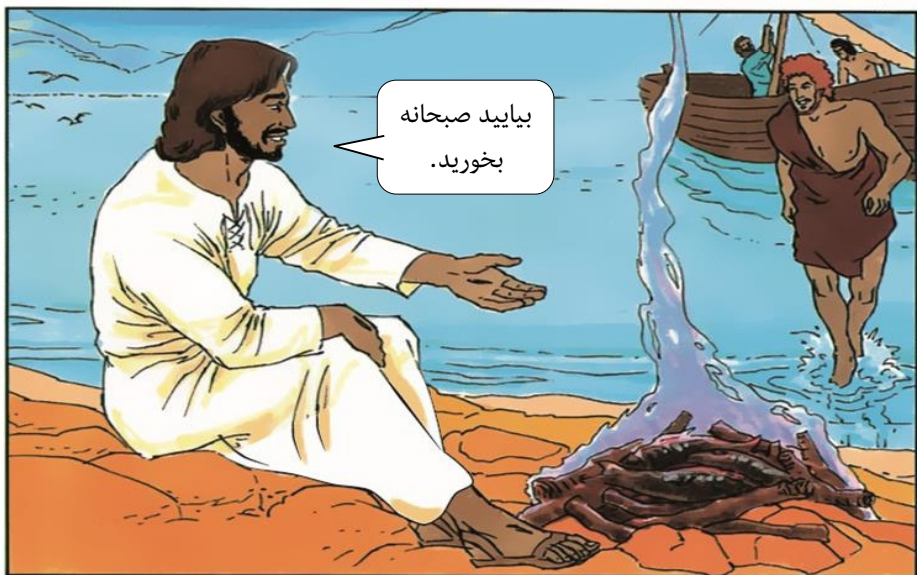
این سرور ماست!



چقدر سنگین شده!



جال را به طرف راست کشتی پرتاب کنید!

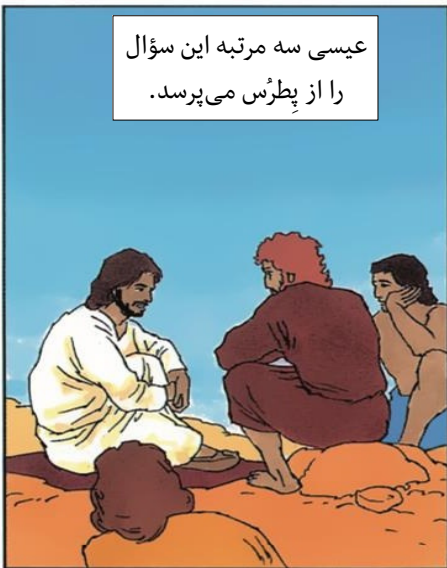


بباید صبحانه بخورید.



سرورم!

عیسی سه مرتبه این سؤال را از پطرس می پرسد.



پطرس، آیا مرا بیش از اینها دوست داری؟



تمام قدرت در آسمان و بر روی زمین به من داده شده است. پس بروید و همه ملتها را شاگرد من سازید و آنها را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید و تعلیم دهید که همه چیزهایی را که به شما گفته ام انجام دهند.



مرا پیروی کن!

سرورم! تو می دانی که تو را دوست دارم.

گوسفندان مرا خوراک بده.



به یاد داشته باشید که من هر روزه تا به ابد با شما هستم.



بعداً عیسی از شاگردانش جدا می شود و به آسمان می رود. ولی او این را هم فرموده است که روزی از آسمان برمی گردد تا جهان را داوری کند.



مرگ قدرت نداشت
عیسی را نگهدارد. خدا
او را از مردگان دوباره
زنده کرد. عیسی اولین
کسی بود که پا به
عرصه جلال خدا
گذاشت.

پیروان عیسی در اورشلیم منتظر می ماندند
و دعا می کنند که از روح القدس پر شوند.
پس از پنجاه روز، در روز پنتیکاست، روح
القدس بر آنها نازل می شود. همان روحی
که در عیسی بود، اکنون نیز در آنها و
کسانی که به او ایمان خواهند آورد،
زندگی می کند. پیروان او شاهدان
قدرتمند او هستند. مردمان زیادی در
مورد عیسی می شنوند...



عیسی فرزند
خدا است!

پیروان عیسی با وجود
فشار شدید بر ایشان
بشارت می دهند.

اکنون افراد بیشتری در سراسر جهان گرد هم
می آیند تا با هم دعا کنند و کتاب مقدس را
بخوانند. آنها در رحمت خدا زندگی می کنند.
آنها لطف او را تجربه می کنند. آنها یکدیگر را
دوست دارند و به نیازمندان کمک می کنند.
آنها حتی دشمنان خود را دوست دارند. آنها
مرتب در برنامه شام خداوند یا عشاء ربانی
شرکت می کنند و آنرا به یادگاری عیسی انجام
می دهند. آنها محبت خدا را که قلبهای شان را
پر کرده به افرادی که در اطراف آنها هستند،
نشان می دهند.

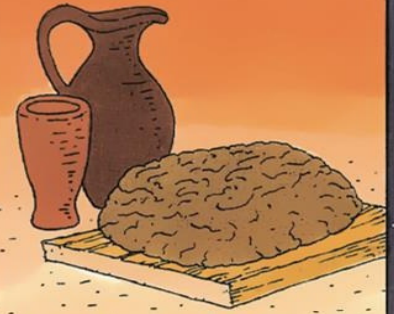


وقتی مسیح بر روی
صلیب جان داد، او در
واقع بار گناهان ما را بر
جسم خود گرفت. گناه
باعث شد که همگان به
مرگ محکوم شوند. اما
عیسی ما را از مجازات
گناه آزاد ساخت!

این پیام از طریق نامه ها نیز
اعلام می شود...

عیسی نقشه خدا برای انسان
را به انجام رسانید.

عیسی شما را دوست
دارد. پس ممنونش باشید
و او را بپرستید!



زیرا خدا جهانیان را آنقدر محبت نمود
که پسر یگانه خود را داد تا هر که به
او ایمان بیاورد هلاک نگردد بلکه
صاحب حیات جاودان شود.

کتاب مقدس

داستان عیسی در کتاب مقدس درج شده است. هیچ کتاب دیگری بیشتر از کتاب مقدس خوانده نشده و هنوز هم خوانده می‌شود. کتاب مقدس مجموعه‌ای از کتابها است. نوشتن همه این کتابها ۱۵۰۰ سال طول کشید. کتاب مقدس حدود ۱۹۰۰ سال پیش تکمیل شد. این کتاب شامل انواع داستانها در مورد چگونگی دخالت خدا در زندگی مردم است. داستان عیسی به وضوح نشان می‌دهد که خدا کیست.

تاریخ عیسی مسیح

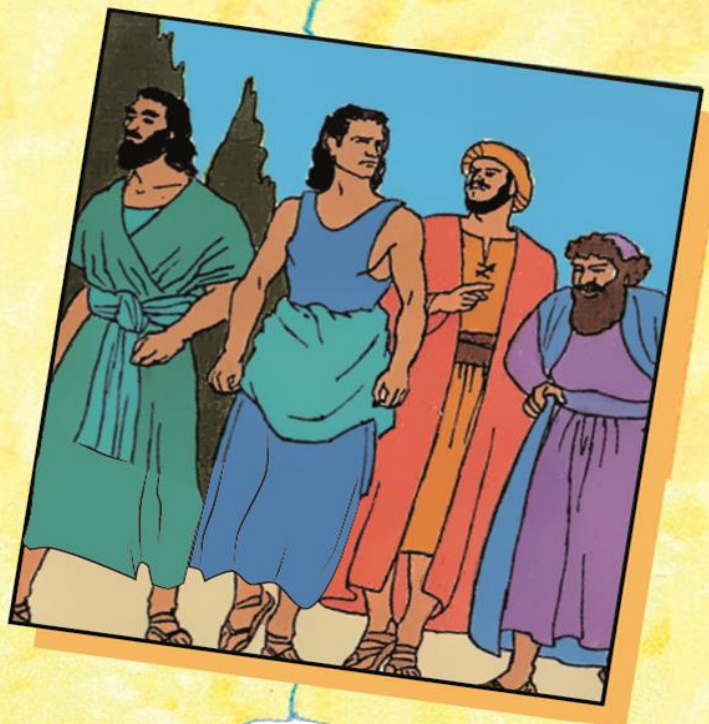
کتاب مقدس شامل ۴ کتابی است که در آنها زندگی عیسی مسیح تشریح می‌شود. آنها به نام نویسندگان شان نامگذاری شده‌اند. تمام این نویسندگان در زمان عیسی زندگی می‌کردند.

۱. متی - او شاگرد عیسی بود. او قبلاً به عنوان جزیه‌گیر کار می‌کرد. او به طور خاص نحوه رفتار عیسی با قوم اسرائیل (یهودیان) را تشریح می‌کند.

۲. مرقس - مرقس در هنگامی که عیسی خدمت خود را آغاز نمود، هنوز پسر بچه بود. او مقداری در مورد معجزاتی که عیسی انجام داد، می‌نویسد.

۳. لوقا - او یک داکتر بود. او شخصاً عیسی را نمی‌شناخت. لوقا نحوه رفتار عیسی با مردم را شرح می‌دهد.

۴. یوحنا - او همچنین از پیروان عیسی بود. او عمدتاً نشان می‌دهد که عیسی کیست. عیسی خدایی است که انسان شد تا مردم را از گناهانشان رهایی بخشد.



تولد عیسی

مادر عیسی، یعنی مریم، هنوز ازدواج نکرده بود که عیسی در رحم او پیدا شد. او تا زمانی که عیسی به دنیا آمد هنوز باکره بود. با این حال، خدا چنان ترتیب داد که عیسی بتواند متولد شود. این معجزه در کتابهایی که مدتها قبل از زمان عیسی نوشته شده است، اعلان شده بود. عیسی به عنوان یک قهرمان یا به گونه خاصی به دنیا نیامد. او در یک طویله به دنیا آمد زیرا اتاق دیگری در دسترس نبود.

معجزات عیسی

عیسی معجزات زیادی انجام داد. کتاب مقدس به بیش از ۴۰ شفای معجزه آسا اشاره می‌کند. عیسی با این معجزات قدرت و محبت خدا را نشان داد و اینکه او می‌خواست به مردم کمک کند و آنها را خوشحال سازد.





مرگ و رستاخیز عیسی

چرا عیسی مُرد؟ توضیحات در کتاب مقدس آمده است.

همه مردم گاهی کارهای اشتباه می‌کنند. یعنی چیزهایی که خداوند آنها را نمی‌پسندد و او را عصبانی یا ناراحت می‌کند. به آنها گناه می‌گویند. این گناهان ممکن است مردم را از دوستی با خدا دور نگهدارد. به همین دلیل عیسی آمد. عیسی با ارادهٔ آزاد خود مجازات گناهان ما را بر عهده گرفت. آن مجازات مرگ بود. از آنجایی که عیسی بخاطر ما مُرد، پس ما می‌توانیم دوباره با خدا دوست شویم. اما باید از اشتباهاتی که انجام داده ایم، پشیمان باشیم. عیسی از مردگان برخاست. خداوند او را دوباره زنده کرد. خداوند با این کار نشان داد که از مرگ قدرتمندتر است. عیسی اکنون با خدا زندگی می‌کند. چون او هنوز زنده است، پس همیشه می‌تواند دوست ما باشد. او می‌خواهد به ما کمک کند تا طوری زندگی کنیم که خدا را شاد بسازد.

دعا

اگر از کارهای اشتباهی که انجام داده‌اید پشیمان هستید و می‌خواهید با خدا دوست شوید، می‌توانید این دعا را بخوانید:

ای خدای عزیز، تو مرا دوست داری.
تو یگانه فرزندت، عیسی را دادی
او به خاطر تمام اشتباهاتی که من انجام داده ام روی صلیب مُرد.
لطفاً مرا به خاطر اشتباهاتی که کرده ام ببخش. زیرا من از آنها پشیمانم
ممنونم که عیسی در کنار من است.
من همیشه می‌خواهم متعلق به تو باشم.
لطفاً به من کمک کن تا همانطوری که تو می‌خواهی زندگی کنم؟
آیا همیشه به من نزدیک خواهی ماند؟
ممنون که دعای مرا مستجاب کردی
تو به قولت عمل می‌کنی!

عیسی و شما

آیا می‌خواهید درباره عیسی و زندگی کردن با او بیشتر بدانید؟ پس شما می‌توانید کارهای زیر را انجام دهید:

۱. شروع به خواندن کتاب مقدس برای خودتان کنید

(برای مثال با خواندن آن قسمت شروع کنید که بوسیله لوقا نوشته شده است).

۲. به دعا شروع کنید

(صحبت کردن با خدا و گوش دادن به او - نیازی به استفاده از کلمات خاصی ندارید).

۳. درباره عیسی و کتاب مقدس با افراد دیگر صحبت کنید.

عیسی از پیروانش می‌خواهد که با همدیگر ملاقات کنند و همدیگر را تشویق کنند تا درباره او بیشتر بیاموزند.

داستان عیسی پایان باز دارد. عیسی، هم در آن زمان و هم درین زمان دوست بسیاری از مردم شد. دنیا تغییر کرده است. بسیاری از مردم سوار با الاغ یا اسب سفر نمی‌کنند بلکه با موتر و طیاره سفر می‌کنند. اما این برای عیسی فرقی نمی‌کند. او می‌تواند به همان اندازه که به مردم اسرائیل نزدیک بود، به ما هم نزدیک باشد. او ممکن است نامرئی باشد، اما او واقعی است. او می‌خواهد امروز برای شما یک دوست باشد. شما ممکن است به او گوش دهید و ممکن است او را دوست داشته باشید.



«متن و تصاویر: ویلم دی وینک.»

حق چاپ © Stichting Wereldtaal 1993، روتردام، هلند. به زبان هالندی با نام *Jesus Messias* منتشر شده است.

نسخه زبان دری © 2025 *Dari (Afghanistan)*

حق چاپ دیجیتال تحت شرایط مجوز *Creative Commons BY-SA*

کلید حقوق ترجمه، تکثیر و اقتباس برای تمام کشورها محفوظ است.

ایمیل آدرس: jmpbk.app@gmail.com

<https://jesusmessiahcomicmedia.com/en/afghanistan>

منتشر شده توسط خدمات پامیر - www.Hope4Afghans.com/fa

برای متن کامل و صوت کتاب مقدس به: www.AfghanBibles.org/prs مراجعه کنید

(Add QR code))

عیسی مسیح: این داستان واقعی عیسی مسیح است. او حدود ۲۰۰۰ سال پیش در اسرائیل زندگی می‌کرد. هر کس که با او ملاقات می‌کرد شگفت زده می‌شد. هیچکس هرگز کاری‌هایی را که او انجام داد، انجام نداده بود. هیچکس هرگز چیزهایی را که او می‌گفت، نگفته بود. در جایی که عیسی بود معجزات رخ می‌داد. و او شادی و خوشحالی را برای همه کسانی که علاقه داشتند به او گوش دهند، به ارمغان آورد. اما ناگهان همه چیز به پایان رسید. دشمنانش او را مصلوب کردند. اما این پایان کار نبود. خودتان بخوانید چگونه این اتفاق افتاد و ببینید داستان عیسی مسیح چگونه ادامه دارد!



زبان: دری

Language: Dari (Afghanistan)

ISBN: 978-94-93321-67-0